

ما باز هم میگوئیم: آمریکا ایران را نمیخواهد، نه «گروگانها» را

در صفحه ۲

سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه به استقرار یافته اند، ولی قانون شکنی همچنان ادامه دارد، چرا؟

روزنامه انقلاب اسلامی، در سرمقاله روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ماه ۵۹ خود از جمله می نویسد: «... حکم نخست وزیری آقای رجایی بدنیال رای تمایلی که هفته گذشته مجلس شورای اسلامی بوی داد از طرف رئیس جمهور صادر شد...»

رئیس جمهور وجود ندارد و یا اینکه مقاله روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ماه ۵۹ خود از جمله می نویسد: «... حکم نخست وزیری آقای رجایی بدنیال رای تمایلی که هفته گذشته مجلس شورای اسلامی بوی داد از طرف رئیس جمهور صادر شد...»

در این رابطه نزدیک سه هفته است که داستان گل کشور اطلاعیه ای در رابطه با اشغال دفاتر سازمانها و گروهها صادر کرده و با آنکه مسئولیت جلوگیری از تعطیل و قانون شکنی همه افراد و سازمانها طبق قانون اساسی به عهده دادستان است که می باشد هیچک از آنهاست که در این رابطه اطلاعیه می دهند که رئیس جمهور نیز به آن اولویت داده خاتمه دادن به همین بنظر می آید و قانون شکنیست.

تبریز ایستگاه پیکر روز میگذرد بیشتر یافته است...

بستند در خانه ما را و چه باطل حق است که در راه حقیقت بگشاید

بیش از یکماه از اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه مردم در تهران (۳۰ تیر) میگذرد داستان گل کشور، آیت الله موسوی اردبیلی، چند روز بعد از آن (مرداد) اطلاعیه ای صادر کردند و «اشغال دفتر گروهها و بوسی از روزنامهها» را توسط «اشخاص متفرقه» خلاف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم دانستند و اعلام کردند که:

«لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی میزنند، بابت از آن احتراز نمایند و اگر افرادی به این کار ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت.»

ایشان ده روز بعد، در سخنرانی خود، در حوزه علیه قائم در چادر شمیران، با تذکر اینکه «کشور احتیاج به نظم و آرامش دارد»، گفتند: «گهر افراد درهای سخنرانی نمیکنند و عداوت شعله های تنی میدهند و میروند گوشه ای را تسخیر میکنند... در این حال ضد انقلاب سوء استفاده میکنند» (کیهان ۱۵ مرداد).

چند روز بعد نیز در مصاحبه تلویزیونی خود در مورد هجوم عداوتی بر اکثر احزاب و سازمانها تصریح کردند که:

«عمل به گروهها در خط امام نیست.»

از اطلاعیه رسمی دادستان گل جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵ مرداد از جمله گفته شده است:

«اما کمیته تاکنون به طرق یادشده تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستان گل کشور و یگانایان انقلاب اسلامی و یا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.»

لیکن این دستور سریع دادستان گل جمهوری اسلامی ایران، نه اینکه بوقوع «در اسرع وقت» و بدستی اجرا نگردد، بلکه پس از آن تاریخ تاکنون نیز، علی رغم اطلاعیه رسمی دادستان گل، باز هم از طرف این «اشخاص متفرقه» به دفتر گروهها و روزنامهها، از جمله به دفتر حزب توده ایران در شهرهای مختلف کشور، بی در پی هجوم برده میشود و آنها را غارت و اشغال میکنند. کار بجائی رسیده است که حتی «دانشسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر»، که خود یک مقام رسمی جمهوری اسلامی ایرانست و باید قاعداً برای اطلاعیه دادستان گل کشور احترام و اعتباری قائل شود، به پشتیبانی از این نوع «اشخاص متفرقه» برخاسته و طی «اطلاعیه ای فعالیت چند گروه و سازمان» از جمله حزب توده ایران، را در این دوشنبه «متنوع» اعلام کرده است. (جمهوری اسلامی، ۱ شهریور ۵۹).

حزب توده ایران بشارت اسنادفران غیرقابل انکار، هنوز قبل از بیروزی انقلاب شکوهند مردم ایران برهبری امام خمینی و سرنگونی رژیم طاغوت، از این انقلاب با تمام نیرو و امکانات خود، در گفتار و کردار خویش، با کمال صداقت و جدیت پشتیبانی کرده است. پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب شکوهند مردم ایران علیه استعمار و استعمار، علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی، بقیه در صفحه ۲

ضد انقلاب از پاسداران و کمیته ها دل خوشی که ندارد سهل است، این نهادهای انقلابی را خاری در چشم خود و سدی در راه خویش میسرمد و آرزوی «انقلاب» آنها را دارد. ضد انقلاب این خواستشوم خود را به اشکال مختلف، از جمله بوسیله رادپوهی ضد انقلاب، بیان می کند.

پاسداران و کمیته ها، در گرامر انقلاب، از بطن جامعه پرچوش و خروش ما، در لحظاتی سرنوشت ساز، زائیده شدند و با تمام فراز و نشیب و نقاط قوت و ضعف و فداکاریها و اشتباهات، در مجموع، یکی از حساس ترین و مهمترین نقشها را در دفاع از انقلاب و سرکوب عناصری که کمر بنابودی آن بسته بودند، ایفا کردند. تاریخ معاصر ما هرگز این نقش را فراموش نمیکند. ولی این نقش تنها متعلق به تاریخ گذشته

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۵
بکتهبه ۲ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

ملاقات نمایندگان قاسملو و کومله، با اشرف، اویسی و پالیزبان

طبق اطلاعی که تازه بدست آورده ایم، در تاریخ ۲۵-۲۶ اردیبهشت ماه ۵۹، در نزدیکی دهی بنام حلبچه در عراق، در کنار یک منطقه نظامی و در یک ساختمان از بتن پیش ساخته، شیخ عثمان نقشبندی، نماینده قاسملو، صدیق کمانگیر نماینده کومله، یا اویسی، پالیزبان و اشرف ملاقات می کنند. در این ملاقات مسأله هماهنگی کلیه نیروها برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، مورد بحث قرار می گیرد و اویسی به شیخ عثمان اعلام می کند که برای هر مزدور ۶۰۰۰ تومان می پردازد.

چریکهای اکثریت و کردستان

چریکهای اکثریت که میکوشند قاسملو را به انقلاب جلب کنند و در واقع وانمود می کنند که آنها می توانند به انقلاب جلب شوند، تا خود را به عنوان نمایندگان اکثریت معرفی کنند و عملیات علیه قاسملو را قرار می گیرند.

امریکا میخواهد اعصاب ما را امتحان کند

بجای آنکه «یادداشت» را بحکومت بدهند، به «پارلمان» کشور دادند! بدنیال این کشورها، زاین و کشورهای عضو بازار مشترک اقدام همکاری خود را تکرار کردند. شاید فردا گروهی از کشورهای مسلمان بریاست پاکستان یا عربستان مسعودی نیز برای آزادی گروگانها یاد دینی بکنند!

لحن این سه نامه، که تاکنون فرستاده شده، سرد، غیر دوستانه و گاهی تهدید آمیز است. ما را از «جنگ جهانی» میترسانند، به «حفظ صلح» دعوت میکنند، عواقب وخیم «گروگانگیری» و تناقض آنها با «موازین حقوق بین المللی» بر رخ می کشند.

یورش سفیران کشورهای سرمایه داری مقیم تهران به مجلس شورای اسلامی بیشتر شبیه بیک جنگ روانی است. آنها میخواهند ثابت کنند که دیگر برای ایران دوستی باقی نمانده است و چاره ای جز تسلیم ندارند.

خود سفیران کشورهای سرمایه داری بهتر از هر کس دیگری میداند که وخامت روابط ایران و امریکا هزاران علت دارد، که «گروگانگیری» کوچکترین آنها است. اگر تمام این «گروگانها» در دادگاه انقلاب بیرون بیایند هم محکوم میشوند، تازه یک هزارم کسانی نیستند که بدستور مستشاران آمریکایی بدست ارتش مزدور شاهنشاهی در دوران انقلاب شمشیر شدند.

آنچه «صلح جهانی» را به خطر افکنده است، انتهای سیری ناپذیر امپریالیسم امریکانست، که هزاران میل دورتر از سواحل امریکا را «منطقه امنیت» و «حیطه منافع ملی» خویش اعلام کرده و بزرگترین قدرت دریایی خود را در برابر آبهای همین ما متمرکز ساخته است. آقایان سفرا از اقدامات دولت سلطه گر امریکا در ایجاد جنگ سرد و چو درگیری کلمهای بزبان نمی آورند، اما چون تمام سیاستمداران دوروی سرمایه داری، فریبکارانه از لزوم «مخاطب صلح» و «رعایت حقوق بین المللی» دم میزنند.

ما که به دیپلماتهای امریکایی حتی پس از انقلاب کاری نداشتیم و وجود منحوسستان را در خاک میپیمان تحمل میکردیم، جوانان پرشور انقلابی ما تنها هنگامی سفارت امریکا را اشغال کردند، که می بردند جاسوسان «سیاه» در آنجا مشغول طرح توطئه براندازی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

شیطان بزرگ - امریکا همین ما را زیر فشاری سهمگین قرار داده است. در پی محاصره نظامی، محاصره اقتصادی و بدنیال محاصره اقتصادی ما را در محاصره سیاسی گرفته و در این راه تمام توان خود و پارانش را بسیج کرده است.

آقای بنی صدر رئیس جمهور از یک توطئه وسیع نظامی، که امریکاییها علیه کشور ما تپه دیده اند و تصمیم دارند بوسیله مزدوران داخلیشان بخشهایی از همین ما را اشغال کنند و ایران را بسجده خونین جنگ برادر کشی تبدیل نمایند، پرده برداشت.

امپریالیستهای امریکایی از محاصره اقتصادی نیز برای توسعه پایگاه اجتماعی - سیاسی همین مزدوران استفاده میکنند و میکوشند از عواقب اقتصادی - اجتماعی این محاصره، بسود طرفداران ضد انقلاب بپسروند.

پس از آنکه آنها لحظه را برای اعمال فشار سیاسی مساعد دیدم اند، فشار طبق برنامه و بیکرانه وارد میگرد.

فشار سیاسی از قطع رابطه امریکا با ما آغاز شد و امروز منحنی صعودی را طی میکند. بدنیال امریکا، کانادا سفارتخانه خود را عملاً تعطیل کرد. اکنون انگلستان تعطیل میکند. میگویند سفارت فرانسه هم در حال تعطیل است. سایر سفارتخانه های کشورهای سرمایه داری نیز کادر سیاسی خود را بحد قابل تنزل داده اند. این عمل نوعی فشار سیاسی بر ایران است.

فشار سیاسی امریکا و اعوانش بر ما در جهت تضعیف انقلاب ایران و منفرد ساختن آن سیر میکند.

تسلیم «یادداشت» از طرف سفیران کشورهای سرمایه داری به ایران، که بدلیل هماهنگی آن نمی تواند چیزی جز یک اقدام طرح بریزی شده باشد، نیز در همان جهت سیر میکند.

دنیای سرمایه داری مجلس ایران را زیر بارانی از «نامه» و «یادداشت» گرفته است. ابتدا نمایندگان کنگره امریکا بنام «مردم» امریکا به مجلس شورای اسلامی ایران نامه فرستاده بودند. سپس گروهی از کشورهای «کوچک و متوسط» اروپای سرمایه داری، به پنهان تریک به حجت الاسلام رفسنجانی، به مناسبت انتخابشان به مقام ریاست مجلس، «یادداشتی» تسلیم ایشان کردند و برای نخستین بار در عرف بین المللی،

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ما با زهم میگوئیم: امریکا ایران را میخواهد، نه «گروگانها» را

روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، که پانصد دانشجوی مسلمان بیروخطام، سفارت امریکا، لانه جاسوسان و خیانتکاران و پایگاه فعالیت‌های خرابکارانه همیروزها و سولیوان‌ها را اشغال کردند و جاسوسان امریکائی را گروگان گرفتند، در اعلامیه شماره ۴ خود، در توضیح دلایل اقدام خویش، نوشتند:

- اعتراض به امریکاجیت پنهاندان شاه جنایتکار،
- اعتراض به امریکا به علت ایجاد فشار تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی ایران،
- اعتراض به امریکا بخاطر توطئه‌ها و توطئه‌هایی،
- اعتراض به امریکابه دلیل نقش‌خفایان پراندازش در برابر رهائی خلخضا.

اعتراض دانشجویان مسلمان بیرو خط امام به امریالیسم امریکا، اعتراض امام بود و توده‌های مستضعف، اعتراض همه مستضعفان، سازمانها و گروههای سیاسی ضدامپریالیست بود و بهین جهت مورد اقبال امام و همه بیروان و هواداران و پشتیبانان خط امام قرار گرفت.

اما بلافاصله خط دیگری، جدا از این خط، سر بلند کرد، خط بورژوازی لیبرال و هواداران و متحدانش، که چهره مردم کردند و اشغال جاسوسخانه و «گروگان گیری» را گامی در راستای تیرساختن مناسبات ایران با جهان غرب دانستند و مایه شرمساری خواندند. ایشان احترام

به مصونیت سفارتخانه‌های خارجی و مصونیت «دیپلمات‌ها» را مطلق میکردند و اقدام دانشجویان را نقض عرف بین‌المللی میدانستند. حتی روزی که استاد جاسوسوسی از جاسوسخانه بست آمد و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم افرادی درمداخل حساس دولت انقلاب، با سازمانهای جاسوسی آمریکا قاش شده، باز این گروه دست حمایت خود را از پشت کارگزاران ایرانی امریالیسم امریکا برنداشت و استاد را فاقد اعتبار خواند و بدینسان دو برخورد و دو خط با مسئله «گروگانها» بوجود آمد:

برخورد اول، که اقدام دانشجویان را ابتکاری جالب در پرواز شور انقلابی مردم به اوج، و «درباره» متحد و یکپارچه علیه امریالیسم امریکا ارزیابی کرده، از آغاز تاکنون بر روی خطی مستقیم، بدون تزلزل و امواج و بایبکی راه سیرده، و گفته امام را تکرار کرده است که، تصمیم درباره «گروگانها» از وظایف مجلس شورای اسلامی است.

برخورد دوم، که باورچندانی به خصلت ضدامپریالیستی انقلاب و ضرورت مبارزه با امریالیسم در همه و همه زوایای حیات کشور ندارد و در پندار حفظ مناسبات ایران با جهان «آزاد» در چارچوب گذشته و یا چارچوبی کمی تنگ‌تر را لازم میدانند، به این اقدام دانشجویان با برآشفتگی می‌نگرد و این نگرانی درجانش است که، کاربه کجا خواهد کشید؟

این گروه به مسئله «گروگانها» از زاویه ترس از «انزوا» در جهان که منظورش جهان سرمایه‌داری، بویژه اروپای سرمایه‌داری است، می‌نگرد و این تازه بعد از آنست که جهان سرمایه‌داری، بویژه اروپای سرمایه‌داری موضع خود را نسبت به انقلاب و هدلی خویش را با دشمن اصلی و واقعی، یعنی امریالیسم امریکا، مرغان و بربرده تشنه‌اند

بستند در خانه مارا و چه باطل

بقیه از صفحه ۱

و رژیم طاغوت دست‌نشانده آن، زائیده ماهیت اجناسی و خصلت‌طبقاتی این حزب است، که دفاع از منافع طبقات زحمتکش و آزادی، استقلال و ترقی کشور را وظیفه اصلی خود قرار داده و در برنامه و اساسنامه حزب منعکس کرده است.

پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب رهائی بخش ضدامپریالیستی و ضدزیم‌شاهی با خون عدهای از بهترین اعضای حزب ثبت تاریخ است.

پشتیبانی صادقانه و فداکارانه حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی در دهها سند رسمی، در اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و فراخوانیهای کمیته مرکزی حزب بازتاب یافته‌است. پشتیبانی عملی و نظری حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی در یک کتاب طرح‌ها و پیشنهادها مثبت و سازنده درباره همه رشته‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جامعه ما تبلور شده‌است.

پشتیبانی جدی عملی و نظری، سازمانی و تبلیغاتی حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، در مجازات از ۳۰۰ شماره نامه «مردم» به نحوی انکارناپذیر ثبت تاریخ است.

این پشتیبانی، همچنانکه بر مردم زحمتکش کشور آشکار است، برای مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز مسلم است. حزب توده ایران به پشتیبانی و شرکت فعال در انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، علیه امریالیسم، سرکردگی امریالیسم امریکا، و رژیم سرنگون‌شده طاغوت، در راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه همگانی افتخار میکند.

این خود یک نمونه بارز از پشتیبانی جدی حزب ما و همه‌اعضای و هواداران آگاه و باانضباط آن از انقلاب شکوهمند ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است که تاکنون، در نهایت کوشش و متانت انقلابی، به دام تحریکات مفسدین، بدخواهان و دشمنان انقلاب و با عناصر ناآگاه و تحریف‌شده نیافتاده‌اند و از ایجاد تشنج و درگیریهای ممکن جلوگیری کرده‌اند.

حزب توده ایران احترام بدر عمل و نه‌تبار در گفتار به قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و رعایت این قوانین و نظامات، فعالیت آشکار در چارچوب این قوانین و نظام را وظیفه اصولی و اساسی خویش محسوب میدارد. بگذار آن «اشخاص مترقی» غیرمسئول، و حتی گاهی هم مسئول، که «به‌خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست‌به‌چین اعمال می‌زنند، یک‌مسد آن احترام واقعی و پشتیبانی عملی را که حزب توده ایران نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد، از خودشان بمنصه ظهور و بروز برسانند.

دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله موسوی اردبیلی در آخرین مساجبه تلویزیونی خود متذکر شده‌اند که، تاخیر در استرداد دفاتر گروها به آنها، گویا مربوط به لزوم بررسی چیزهایی است که در این دفاتر هست آمده‌است که این امر نیز به‌دسترسی تهران ارجاع شده‌است.

حزب توده ایران با صراحت و قاطعیت اعلام میدارد که در دیرینه کمیته مرکزی این حزب و دفتر نامه مردم و دفتر حزب در شورستانها هیچ چیزی که مخالف و مغایر قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، وجود نداشته است و نمیتواند وجود داشته باشد.

آنچه که مربوط به دفاتر دیگر گروها میشود، باید متذکر بود که هجوم خودسرانه و اشغال دفاتر، به‌زور و در اشغال نگه‌داشتن از سوی کسانی که خصومت آشکار خود را نسبت به این گروها پنهان نمیکنند، آتهم برای مدت چند هفته، آنچه را که اکنون در این دفاتر مسکناست پیدا شود، از لحاظ حقوقی و قانونی فاقد هرگونه اصالت میباشد.

در مورد اطلاعیه دادرسی انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر باید گفت، کاملاً آشکار است که این اطلاعیه اولاً صریحاً مخالف اطلاعیه قبلی دادرسی کل کشور (مورخه ۵ مرداد) است. ثانیاً - فاقد هرگونه منطقت قضائی و اساس حقوقی است.

نیتوان فعالیت سازمانی را که طبق اصل سریع قانون اساسی صورت گرفته و میگرد و خلاصه قانون بودن این فعالیت بوسیله هیچ محکمه یا ارگان رسمی دیگری به ثبوت نرسیده است، با یک اطلاعیه «ممنوع» اعلام کرد و تعیین تکلیف آنرا به «مجلس شورای اسلامی» در آیه موکول ساخت، و در حقیقت مجلس شورای اسلامی را نیز به‌تومی در مقابل عمل انجام شده قرار داد.

ما به این عمل دادرسی انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر، که در واقع پشتیبانی از عناصر غیرمسئول، ناقض اطلاعیه رسمی دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، یعنی «خلاصه تصریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم» است، اعتراض میکنیم و از دادستان کل کشور می‌طلبیم که هرچه زودتر امکان فعالیت قانونی دفاتر حزب توده ایران را «مردم» را در نقاطی که معرض هجوم و اشغال عناصر غیرمسئول قرار گرفته‌اند، فراهم سازند.

امریکائی مردم ایران را گاه حتی کار خود امریالیسم امریکا وانمود میکنند و معتقدند که امریکایخواهد مسئله گروگانهای جاسوس لایحل بماند و بدینجهت هربار که بنا بوده این مسئله مطرح شود، بطرفی کوشش کرده است که از طرح آن جلوگیری بعمل آورد؛ اینان بر آنکه خود بنخواستند امریالیسم امریکا را قدر قدرتی میدانند که انکتش در همه جریانات سیاسی هست و بدینسان نیروی خلق را بیچاره میکنند. ولی تردیدی نباید داشت که

مردم و پاسداران

بقیه از صفحه ۱

دکته‌ها بالاترین خدمت را بعد از انقلاب به مردم کرده‌اند، اگرچه «دولت موقت کتیه‌ها را یاد انتقاد گرفت».

آقای مهدی باقری کتی معاون کمیته مرکزی، نیز گفت: «پاسداران خاک را بزرگترین کمک را به ضد انقلاب میکنند، چرا که پراحتی میتواند ناراضیانی در جامعه بتراشد».

آقای سید صدرالدین شریعتی، مسئول بخش بررسی وضع کتیه‌های تهران، اظهار داشت:

«افراد مختلف از طبقات گوناگون وارد کتیه‌ها شده و با بست آوردن اسلحه ایجاد وظیفه می‌کردند و در بین افراد کمیته عناصر ناصالح هم رخنه کرده و همین‌ها باعث مشکلاتی در کتیه‌ها شدند».

آقای جلالی خمینی، مسئول منطقه شرق تهران، نیز اظهار داشته‌است که باید کتیه‌ها تصفیه و پاکسازی شوند و «پاسداران عملشان منضبط شود».

همه این اظهارات از روی علاقه ایمن به پاسداران، این فداکاران راه انقلاب، بیان شده‌است، و هدف آن تحکیم و تقویت این نهاد انقلابی است. تصفیه پاکسازی جدی، که توسط مکرر امام و خواست دست اندرکاران، مسئولان متعهد انقلابی و همه مردم انقلابی است، عنصر مهم این تحکیم و تقویت بشمار میرود. پاکسازی درین حال هرگونه اسلحه تبلیغاتی و مخرب را از دست ضد انقلاب بگیرد و به آنها هیچگونه پهنای برای ذکر کردن جرم‌ها و سبای پاسداران و کتیه‌ها نماند. خصلت اصلی این نهاد اولاً خصلت مقاومت و دفاع از انقلاب و سرکوب ضدانقلاب است، و ثانیاً خصلت مردمی بودن و متکی به توده‌ها بودن آن، اگر کتیه‌ها و پاسداران چنان عمل کنند که مخالفین آنها فقط ضدانقلابی باشند نه فقط از هیچ حرفی نیست، بلکه مایه نهایت خرسندی است، زیرا نشانه آنست که تیر به‌دقت اصابت کرده و وظیفه بدرستی انجام شده، اما اگر نارضایان از میان توده مردم باشند، آنوقت معلوم است که یگجای کار می‌کنند و نیروها یا عناصر انقلابی، بالقوه انقلابی و یا بالفعل انقلابی، به خطا، هدف قرار گرفته‌اند.

آقای شریعتی بدرستی گفته‌است: «افراد که ضدانقلابی حرف‌های واهی است، هیچ وقت هم جی‌تاهمی بین آنها و کتیه‌ها نخواهد بود».

این متی کاملاً درستی است، هرگز نباید که «تاهمی» در این زمینه حاصل شود، که نفی انقلاب است و انکار خصلت اصلی این نهاد - هر قدر داد رادیوهای ضدانقلاب و فریاد همه ضدانقلابیون بیشتر بلند شود، معلوم میشود که پاسداران بیشتر کار کرده‌اند.

آقای سید عبدالعزیز ابراهیمی، مسئول منطقه ۱۲، بسیار دقیق و درست، بی‌امون مشکلات موجود گفته‌است: «تا روزیکه مردم یا کتیه‌ها همکاری کنند، این مشکلات قابل ذکر نیست».

در واقع هر رسته و اساس مسئله همین است. همکاری مردم با کتیه‌ها و پاسداران و عدم تقاطع بین کتیه‌ها و پاسداران با ضدانقلاب، این است که آن حلقه اساسی که سر نوشت این نهاد بسیار حیاتی و مهم را تعیین خواهد کرد، پاکسازی انقلابی، جهت رسیدن باین هدف باید باشد. در این صورت پاکسازی بستانی تحکیم و تقویت آن خواهد بود. باین عامل دفع ناراضیانی‌های تبلیغاتی و تدارکاتی و همچنین میثتی راهم اگر با ترقی، محکمت‌ترین تودهنی‌ها را به دست ضدانقلابی‌ها و رادیوهی ضدانقلابی، که خواستار «انحلال پاسداران و کتیه‌ها» هستند، زده‌ایم.

این نهادهای انقلابی است. تقویت و تحکیم، هم بمعنی دادن تجهیزات و وسائل کار و عمل مناسب و لازم است، هم بمعنی دادن اختیارات و حیطه عمل ضرورت و مناسب است و هم بمعنی تصفیه واقعی و عملی آنها از عناصر فایک و ناصالح.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نهاد سپاه پاسداران برسمیت شناخته شده و قوت قانونی دارد. وظیفه دولت و ارگانهای اجرایی است که قوانین و آئین‌نامه‌های ضرورت برای عمل این نهاد و حیطه اختیارات آن و همکاری آن با سایر ارگانهای انتظامی را تدوین کنند و تصویب مجلس بربسانند و اجرا نمایند و همچنین وسائل کار را، که از تأمین زندگی اعضای سپاه گرفته، تا تأمین خودرها و تسلیحات و بی‌سیم‌وسایل ابزار، طیف بسیار وسیعی است، همه را فراهم آورند و پاسداران را بمعنی جدی تجهیز کنند.

سپاه پاسداران در اکثر نقاط ایران، بویژه در دهات، که اعضای آنها از افراد شناخته‌شده محلی هستند، از مردم برخاسته‌اند و زیر نظر خود مردم انجام وظیفه کرده‌اند، نقش بسیار مثبتی ایفا کرده‌است. پاسداران مورد محبت و علاقه مردمند، بویژه که در روستاهای در اکثر موارد - در روزی از بین اربابان و دهقانان زحمتکش، همانطور که وظیفهشان حکم میکند، جانب مستضعفان را گرفتند و نگذاشتند مالکان بزرگ و چاق‌داران آنها زورگویی کنند و مانند زمان طاغوت، دهقانان تهیست را سرکوب و غارت کنند. هر قدر این موضع‌گیری مردمی قاطعتر بود، پاسداران از علاقه و اعتبار بیشتری برخوردار بوده‌اند و مردم برادروار آنها را پشت و پناه خود دانسته‌اند. مردم با تمام قوا خواستار تقویت سپاه و رفع مشکلات آنها هستند.

در شهرها نیز در مجموع پاسداران حامی فداکار انقلاب و سیر نیرومند آن در برابر سانس ضدانقلاب بوده‌اند، ولی البته در برخی از شهرها، که ارتباط واقعی و بی‌بند درونی بین پاسداران عضو کتیه‌ها و توده مردم وجود نداشت و آنطور که باید نظارت مردم و شناخت مردم تأثیر بر روی ترکیب پاسداران نیک‌ذات است، متأسفانه پدیده‌های منفی هم بوجود آمده، که اقتصاد دوستی مردم را سلب کرد، کم نبودند خالانی که افراد را با نظری سیاسی تا شبانست و از نظر اخلاقی نامزوار و چه‌بسا افراد مشکوک و حتی ساراک‌های پنهان، که لباس پاسداری بپوش کردند و زیر این نام موقف شدند دست‌به‌کارهای بزنند که یاس و بدبینی نسبت به یکی از حساس‌ترین نهادها، یعنی انقلاب ایجاد کنند، تا جائیکه امام چندبار ضرورت ترکیه و تصفیه آنها را خاطر نشان ساختند.

این خود یکی از مهم‌ترین آهر-های تحکیم و تقویت پاسداران و کتیه‌هاست که درست در نقطه مقابل سانس و خواست ضدانقلاب، وظیفه میرم انقلاب و همه انقلابیون است.

آقای سید مهدی دروازه‌ای، مسئول سابق منطقه ۷، در مصاحبه‌ای با «کیهان» گفته‌است که افزایش تعداد پاسداران با ضدانقلاب، این است که متأسفانه در بین آنها افراد ناصالح هم بودند، ری بدرستی خاطر نشان ساخته‌است که:

«ناراضی مردم از کتیه‌ها معلول همین افراد ناباب در کتیه‌هاست» و ابزار امیدواری کرده‌است که: «بسیار پاکسازی این ناراضیانی از- بین خواهد رفت».

این سخن ناشی از علاقه به بهبود کار است، زیرا همچنانکه خود آقای دروازه‌ای بیان کرده است:

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

سایه روشن فعالیت وزارت نفت در اولین سال پیروزی انقلاب

وزارت نفت گزارش عملکرد فعالیت خود و شرکت‌های تابعه را در سال ۱۳۵۸ در زمینه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و امور دیگر انتشار داده است. این گزارش، همانطور که حاکی از امکانات عظیمی است که انقلاب برای تامین استقلال و پیشرفت صنایع عظیم نفت ایران بوجود آورده، همانطور هم حکایت از آن دارد که، متأسفانه، چنانکه باید از این امکانات استفاده لازم بعمل نیامده است. قبل از هر چیزی به تغییرات و پیشرفت‌هایی بپردازیم که در مدت کوتاه فقط یکسال پس از پیروزی انقلاب انجام گرفته است. این امر بویژه از آن جهت اهمیت دارد که ضدانقلاب می‌کوشد بر روی پیروزی انقلاب خط بطلان بکشد و مردم را نسبت به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی بدبین و مایوس سازد. امپریالیسم و ضدانقلاب دست پرورده آن می‌خواهند با بزرگ کردن مشکلات، که قسمت مهم آن ساخته و پرداخته خود آنهاست، هدف نهان امپریالیسم، بویژه کنترل بین‌المللی نفت را در تسلط مجدد بر صنایع نفت و گاز ایران برآورده سازند.

یکی از ادعاهای همیشگی دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان این بوده است که، کشور-های صاحب صنایع نفت، منجمله کشور ایران، قادر به اداره صنایع عظیمی مانند صنایع نفت و گاز نیستند. تجربه اولین سال پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بطلان کامل این ادعا را ثابت می‌کند. بویژه می‌توان گفت که موفقیت‌هایی که ایران پس از پیروزی انقلاب، تنها طی مدت یکسال، در اداره صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بدست آورده، از اهمیت جهانی برخوردار است.

گزارش عملکرد وزارت نفت خاکست که قبل از پیروزی انقلاب مردم ایران، امر تولید ۹۵ درصد نفت خام ایران در دست شرکت خاص خدمات نفت وابسته به کنسرسیوم متراکز بوده و امور شرکت‌های نفتی وابسته مانند سرپ، لاکو، سوفیران، ایمنکو و ایپاک را نیز طرفهای خارجی قرارداد در دست داشتند. همچنین در بخش‌های دیگر فعالیت شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های وابسته و پیمانکارها، متجاوز از ۱۲۶۰ نفر کارمند خارجی عملاً امور صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران را در انحصار خود داشتند. از این گذشته، علیرغم ادعاهای سران خائن رژیم گذشته، انحصارات امپریالیستی نفتی و عاملین آنها در صنعت نفت بر کلیه کارهای عمده شرکت نفت، چه در استخراج و تصفیه، چه در صدور و فروش نفت، چه در پیمانکارها و حتی تهیه مایحتاج صنعت نفت ایران، هریک بطرق مرئی و نامرئی، نظارت داشتند و با تمام قوا درواستیگی کامل آن بخود کوشا بودند.

طبیعی است که با چنان وضعی، دول امپریالیستی و بویژه انحصارات نفتی اطمینان داشتند که صنعت نفت ایران همچنان در تسلط غارتگرانه آنان باقی خواهد ماند، و در صورت پیش‌آمد حوادث نظیر انقلاب، با اخلاقیات دیگر، و عزیمت کارشناسان خارجی و اقدامات دیگر، چرخ صنعت عظیم نفت ایران از گردش خواهد ایستاد و بدینوسله ضربه عظیم و مهلکی بر انقلاب ایران وارد خواهد آمد.

نتایج حاصل از فعالیت صنعت نفت ایران در اولین سال پس از پیروزی انقلاب نشان می‌دهد که، تیراژ دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان کاملاً به سنگ خورده است. صنعت نفت ایران نه فقط روند فعالیت عادی خود را با موفقیت کامل ادامه داده، بلکه به پیروزی‌های کاملاً چشمگیر و درخشانی نیز نائل آمده است.

مثلاً همانطور که در گزارش وزارت نفت اشاره می‌شود، طی اولین سال پس از پیروزی انقلاب، با اینکه به خدمت کارکنان خارجی خاتمه داده شد و با اینکه قراردادهای کنسرسیوم لغو گردید و علیرغم مشکلاتی که دول امپریالیستی در برابر صنایع نفت بوجود آوردند، معذک استخراج نفت خام ایران در حدود برنامه ریزی شده، یعنی با متوسط استخراج روزانه ۳/۴۵ میلیون بشکه ادامه یافته است. در زمینه افزایش تصفیه نفت در داخل، پیروزی ایران در اداره صنعت نفت خود چشمگیرتر بوده، بطوریکه خوراک روزانه پالایشگاه‌های کشور در روز ۹۷ هزار بشکه بیشتر از رقم مربوطه در سال ۱۳۵۶ بوده است. در گزارش وزارت نفت بدرستی خاطر نشان می‌شود که عملکرد پالایشگاه‌های کشور از لحاظ تصفیه نفت خام، در سال ۱۳۵۸، اولین سال پیروزی انقلاب بالاترین رقم در تاریخ پالایش نفت در کشور بوده است.

در عملیات بخش و توزیع فرآورده‌های نفتی

در داخل کشور و شروع کارهای ساختمانی طرح‌ها و پروژه‌های صنعتی صنعت نفت نیز، علیرغم دشواریهای بسیاری که دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان برای کشور ما فراهم آورده می‌آوردند، موفقیت بزرگی داشتیم، که دستیابی به آنها، در سالهای تسلط کنسرسیوم و رژیم دست‌نشانده آن، اصولاً ممکن و قابل تصور نبود. مثلاً در استفاده از گاز در داخل کشور، که یکی از آرزوهای دیرینه مردم ایرانست، کارهای انجام شده با اینکه در حد استفاده از کلبه، امکانات نبوده، معذک فوق‌العاده چشمگیر است. در گزارش وزارت نفت بدرستی خاطر نشان می‌گردد که پیشرفت گازرسانی، در سال ۱۳۵۸، در بعضی از استانها به اندازه دهسال قبل از انقلاب بوده است. تعداد کل انشعاب تجاری و خانگی، قبل از انقلاب ۴۱/۷۵۸ بوده و بعد از انقلاب، تا آخر سال ۱۳۵۸، به ۵۷/۸۷۲ انشعاب رسیده است.

به اقدامات و پیروزی‌های مهم دیگری در زمینه استخلاص صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران از امپریالیسم و انحصارات غارتگر، طی تنها یکسال، می‌توان اشاره کرد، که همه آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مثلاً اقدام به فسخ قراردادهای عملیات حفاری و تشکیل شرکت ملی حفاری، تشکیل شرکت جدید التاسیس نفت فلات قاره جمهوری اسلامی و ادغام شرکت‌های نفتی وابسته در آن، اجرای کارهای ساختمانی در پالایشگاه اصقان و خطوط لوله نفت و گازرسانی در نقاط مختلف کشور، تکمیل کارخانه‌های نمک‌زدایی از نفت خام، تکمیل طرح گازرسانی از جزیره قشم به بندرعباس، ادامه کارهای ساختمانی طرح بزرگ گازرسانی از منابع گازی سرخس به نیروگاه سکا و نظایر آنها - همه اقدامات با اهمیتی هستند که در اولین سال پس از پیروزی انقلاب انجام گرفته‌اند.

وقتی توجه داشته باشیم که تمام این پیروزی‌ها در شرایطی تحصیل شده‌اند که کلیه کارکنان خارجی از صنعت نفت ایران رانده شده و به مدیریت انحصارات غارتگر امپریالیستی بر صنایع نفت ایران خاتمه داده شده است، در آن صورت به اهمیت کارهای عظیمی که مستقلاً بدست کارگران و کارمندان و متخصصین ایرانی صنایع نفت صورت گرفته، بیشتر پی می‌بریم.

کارگران، کارمندان و متخصصین ایرانی در صنایع نفت، با اعتصابات عظیم و کم‌رنگ خود بزرگترین و کاراترین ضربه را به تسلط امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و انحصارات نفتی و رژیم دست‌نشانده آنها وارد ساختند. کارگران و کارمندان ایرانی صنایع نفت نقش عمده را در پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایفا کردند. تجربه اولین سال پس از پیروزی انقلاب نشان داد که همان کارگران و کارمندان و متخصصین صنایع نفت ایران، با ابراز شایستگی در اداره صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، نقش بسیار مهمی در تثبیت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران ایفا می‌کنند و به امپریالیسم و انحصارات نفتی و سرمایه‌داران غارتگر بی‌فهمانند که، آنها خود بخوبی به اداره صنایع نفت، که یکی از پیچیده‌ترین صنایع است، قادرند، نقش قاطع کارگران و کارمندان و متخصصین ایرانی صنعت نفت، در پیروزی‌هایی که در اداره صنعت نفت ایران پس از انقلاب بدست آمده، دارای اهمیت جهانی دیگری است و نشان می‌دهد که ملل کشورهای نفت خیز قادرند خود اداره صنایع نفت خود را بدست گیرند و به تسلط امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی برای همیشه پایان دهند.

آنچه بر سر مردم موفقیت‌های مردم ایران و در پیشاپیش آنها کارگران و کارمندان و متخصصین صنایع نفت، در اداره این صنعت عظیم است، که دارای اهمیت جهانی است و بحق افتخار آفرین است. اما اگر یادآوری همین موفقیت‌ها اکتفا کنیم و نقاط ضعف جدی در فعالیت صنعت نفت ایران، در اولین سال پس از پیروزی انقلاب، را نادیده بگیریم، قطعاً به انقلاب خدمت نکرده‌ایم. بهین جهت بنظر ما ضرور است که همانطور که موفقیت‌ها را بر سر مردم، به نقاط ضعف جدی که در مدیریت صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ایران وجود داشته و این امر باعث زیانهای جدی برای منافع کشورها و موفقیت صنعت نفت ما شده، ولو به اختصار اشاره کنیم. قبل از همه باید دولت موقت و سیاست نفتی آن را مورد انتقاد جدی قرار دهیم، که در اولین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب، نه تنها به اقدامات عاجل و قاطع در طرف تسلط امپریالیسم و انحصارات نفتی از صنایع نفت ایران دست‌نزد، بلکه با کار آمدن حسن نرینه‌ها در رأس شرکت ملی نفت ایران، عملاً روابط غارتگرانه قدیم را بحال خود نگاه داشت.

مثلاً ادامه فروش نفت به انحصارات غارتگر امپریالیستی و ذخیره بول نفت در بانکهای آمریکائی سبب شد که میلیاردها دلار بول ایران بوسیله امپریالیسم غارتگر آمریکا بلوکه شود و از دسترس مردم ایران خارج گردد. یا اینکه ایفا عناصر طاغوتی در مراکز حساس صنعت نفت باعث گردید که قسمت مهمی از اسناد گرانهای صنعت نفت ایران از بین برود، معقاید عظیمی از وسائل گرانقیمت صنعت نفت بخارج انتقال داده شود و زبانهای بسیار دیگری به کشور ما وارد آید.

همینطور دولت موقت نه تنها از اعلام لغو قراردادهای نفتی امتناع ورزید، بلکه اصولاً بررسی غارت کنسرسیوم در ۲۵ سال تسلط رژیم شاه سابق و طرح خواسته‌های قانونی ایران در برابر انحصارات غارتگر نفتی را بلکی بدست فراموشی سپرد.

مسائل پاکسازی در صنعت نفت، با توجه به تامین حقوق کارگران و کارمندان و رفع تبعیضات گوناگون و نظایر این نوع مسائلی که با زندگی و کار صد هزار کارکنان صنایع نفت و خانواده های آنان ارتباط مستقیم داشت، اصولاً مورد توجه دولت موقت قرار نگرفت.

طبیعی بود که خلق بی‌باخته انقلابی نمی‌توانست در مورد روش دولت موقت در مسئله مهمی مانند صنعت نفت، ساکت و بی‌اعتنا باقی بماند. عدم رضایت مردم و کارکنان صنایع نفت بدرستی یکی از علل مهم سقوط دولت موقت و افرادی نظیر بنی‌ها از رأس شرکت ملی نفت ایران بود، که چنانکه حوادث بعدی نیز نشان داد، از ضرورت‌های واقعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران در مرحله تکامل آن بود.

مردم ایران، بویژه کارگران و کارمندان و متخصصین صنایع نفت انتظار داشتند که سر نوشت دولت موقت و مسئولین آن در امور نفت، سر منشی برای آیندگان باشد و ایقان وظایفی را که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی در مورد اداره صنعت نفت و گاز و پتروشیمی مقرر می‌دارد، از قوه به فعل در آورند. آیا می‌توان گفت که چنین انتظاری تمام و کمال برآورده شده؟ متأسفانه پاسخ این سؤال منفی است.

پیروزی انقلاب برای رشد واقعی صنعت نفت و صنایع وابسته و جنبی آن، شرایط و امکانات فوق‌العاده مساعدی ایجاد کرده است. می‌توان گفت که انقلاب زمینه لازم را برای تبدیل ایران به کشوری برخوردار از صنایع عظیم و پیشرفته صنعتی، صنایع که نمودار استقلال اقتصادی ایران باشد، بطور کامل فراهم آورده است. مدیریت صنایع نفت ایران و در رأس آن وزارت نفت که ایجاد آن خود یکی از پیروزی‌های انقلاب است، وظیفه داشت که بعد کامل از این زمینه مساعد استفاده کند و موجبات پیشرفت همه جانبه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران را در همه زمینه‌ها فراهم آورد. متأسفانه باید گفت که چنین انتظاری برآورده نشده است.

لازم نیست جای دوری برویم. با ذکر مثال از وضع مجتمع پتروشیمی ایران - زاین، که نمونه‌ای از برخورد وزارت نفت با اداره صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در یکسال اخیر است، می‌توانیم زیان هائی را که، در اثر ندانم کاری و یا احیاناً فقدان حسن نیت، به رشد و تقویت صنایع نفت ایران در دوران پس از انقلاب وارد آمده، در نظر مجسم سازیم.

در طرح مجتمع پتروشیمی ایران - زاین بیش از چهار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده و ۹۰ درصد کارهای ساختمانی این طرح قبل از انقلاب به اجرا درآمده بود. پس از پیروزی انقلاب، امپریالیست‌های زاینی که نمی‌توانستند هدفهای انقلاب ایران را بپذیرایند، خود را سا و همچنین به اغوای امپریالیسم آمریکا، به اخلاص و کارشکنی در ادامه کار در مجتمع پرداختند. زاینیها رسماً و علناً از تکمیل طرح سرباز زدند، که نشانه خصومت آشکار آنها با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

وزارت نفت ایران بجای آنکه سریعاً در این مورد اتخاذ تصمیم کند و با استفاده از کمک فنی مجارستان و جمهوری دمکراتیک آلمان، که برای تکمیل طرح اعلام آمادگی کرده بودند، پروژه عظیم پتروشیمی را بکار اندازد، بیش از یکسال است که انجام طرح را معوق نگاه داشته است. زاینی که در اثر معوق نگاه داشتن تکمیل مجتمع پتروشیمی ایران - زاین به اقتصاد ملی ایران، خاصه به صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران وارد آمده و می‌آید، سربه میلیاردها دلار می‌زند. ارقام این زیان حتی برای اقتصاد کشورهای صنعتی ضربه آور است. تا چه رسد به اقتصاد ضعف کشورها، که دشواریهای دوران پس از انقلاب و اخلاص عمدی دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر آنان را نیز، در سبب رودارد.

تنها در مسئله مجتمع پتروشیمی ایران - زاین نیست که نتایج زیان بخش سیاست نادرست نفتی وزارت نفت مشهود و آشکار است. قطع صدور گاز ایران، به کشورهای ما اتحاد شوروی، درست در زمانی که صنعت نفت و گاز ایران محتاج ادامه این فعالیت است، گوشه دیگری از برخورد ناصحیح مسئولین به مسائل صنایع نفت و گاز و الزامات جهانی این صنایع است.

اخیراً حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران نیز بدرستی خاطر نشان ساختند که، در صورتیکه قیمت‌های پیشنهادی برای فروش گاز ایران به اتحاد شوروی غیر منطبق با قیمت‌های جهانی است که این کالا معامله می‌شود، جادارد تصمیم قطع صدور گاز مورد مطالعه مجدد قرار گیرد.

اما چنانکه می‌بینیم، وزارت نفت ایران همچنان بر بسته بودن شیرهای صدور گاز ایران به کشورهای ما، شمالی اصرار دارد و این نکته را که اینکار چه زیان هنگفتی به صنایع نفت و گاز ایران وارد می‌سازد، مسئله بی‌اهمیتی تلقی می‌کند.

ضرور بوده و هست که در مورد فروش آزاد و مستقل نفت ایران در بازار جهان، سیاستی منطبق بر اصل بازرگانی فروش کالا به خریداری که آن را گرانتر و با شرایط بهتر خریداری می‌کند، در پیش گرفته شود. ولی متأسفانه نشانه‌ای از اجرای کامل این سیاست در دست نیست. نفت ایران همچنان بطور عمده به بازار امپریالیستی برای فروش عرضه می‌شود، در حالیکه فروش آزاد آن در بازار جهانی، با شرایط برابر به همه خریداران، امتیازات بزرگی را در اختیار ایران می‌گذارد.

صنعت نفت و گاز و پتروشیمی از جمله صنایعی است که تنها فروش محصولات و فرآورده‌های آن دارای اهمیت نیست. خرید کالاهای لازم برای این صنعت از بازار جهانی نیز از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

اکنون تولید وسائل و ماشین آلات و ابزار صنعت نفت منحصر به جهان سرمایه داری نیست، که از این انحصار برای محروم داشتن کشورهای نفت خیز از امکان دفاع از حقوق حقه خود در نفت استفاده می‌کند. کشورهای سوسیالیستی نیز از عرضه کنندگان ماشین آلات و ابزار لازم برای صنایع نفت و گاز و پتروشیمی هستند. استفاده از این بازار، امکانات مهمی را برای تامین استقلال صنایع نفت ایران در برابر تسلط دول امپریالیستی و انحصارات نفتی در اختیار ایران می‌گذارد.

متأسفانه باید گفت که تا همین امروز نیز امر خرید مایحتاج صنعت نفت ایران از خارج، در انحصار شرکت خدمات نفت ایران است، که مرکز آن در لندن است - و از اقامت کنسرسیوم بین‌المللی نفت بشمار می‌رود. وزارت نفت، چنانکه در گزارش خود اعتراف می‌کند، در این باره هنوز تصمیمی نگرفته است.

رسیدگی به غارت ثروت نفت ایران در ۲۵ سال گذشته و طرح دعاوی ایران در برابر غارتگران امپریالیستی، که قریب چهار میلیارد تن نفت ایران را به من بخش تصاحب کردند، از ضروریات دفاع از منافع ایران در نفت است. ولی حتی حرف چنین رسیدگی و طرح دعاوی ایران در برابر کنسرسیوم، که در صدها مورد مختلف حقوق حقه ایران را زیر پا گذاشته، در وزارت نفت ایران مطرح نشده است.

مسائل استخدامی و رفاهی کارکنان صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و ازین بردن تبعیضات دوران تسلط کنسرسیوم، پاکسازی و بکخواخت کردن امتیازات کلیه کارکنان و بر طرف کردن تفاوت‌های حقوقی، دست مزدی و رتبهای، که همه آثارشوم تسلط استعمار و امپریالیسم را بر صنعت نفت ایران بر بیثباتی دارد، از دیگر اقداماتی است که باید بلافاصله پس از انقلاب صورت می‌گرفت. یکسال ونیم از انقلاب می‌گذرد و در این زمینه‌ها وزارت نفت هنوز سرگرم تهیه طرح قوانین و ضوابط است.

در مورد بازگو کردن سایه روشنهای فعالیت وزارت نفت بیش از این می‌توان گفت و نوشت. اما هم آنچه که برشته تحریر در آمد، گواه اینست که موفقیت‌های تحصیل نشده بیش از آنست که بتواند رضایت خلق انقلابی را تامین کند.

مردم خواستار تحولات واقفا انقلابی در اداره صنعت نفت ایران هستند، که برای تامین استقلال و پیشرفت و شست پیروزی‌های انقلاب، دارای اهمیت حیاتی است.

در یکسال ونیم گذشته این نوع فرآورده شدن دولت انقلاب اکنون باید این نوع فرآورده بر آورد.

چریکهای اکثریت و کردستان

اخیرا بیانیه مشترکی از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) و گروه قاسملو، تحت عنوان "در باره صلح و نیروهای ضدانقلاب در کردستان" انتشار یافته، که موجب نهایت تاسف، تحقیر و نگرانی است.

"بیانیه مشترک"، که در شرایط فوق العاده حساس کنونی کردستان انتشار یافته است، سخنان درستی را درباره موقعیت کنونی انقلاب ایران، دشمنان انقلاب و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و توطئه های عظیم آنها علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. ولی از آنجا که "بیانیه" به تمامی بر نقش خائنانانه و توطئه گرانه قاسملو و همفکرانش برده می کند و آنها را جزو نیروهای انقلابی (!) جا می زند، از آنجا که تلاش گروه قاسملو را برای فریب توده های خلق کرد و هدایت آنها را با دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران گمان می کند، و بالعکس، این مزدوران را مخالف این اعمال می نماید، نقض غرض است و بجای افشای ضدانقلاب، به آن یاری می رساند.

چرا و چگونه چریکها چنین دام عظیمی را بر سر راه خود تشخیص ندادند؟ آیا آنها از واقعیت وجود گروه قاسملو بی خبرند؟ آیا اسناد و شواهد متعدد، که بویژه توسط حزب توده ایران انتشار یافته است و ماهیت وابستو خود فروخته قاسملوها را می نمایاند، هنوز جایی برای خوش باوری و ساده اندیشی (آنهم تا به این حد) باقی می گذارد؟ "اکثریت" به دشمنهای غلاظ و شداد قاسملو و همفکرانش علیه امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، که در بیانیه انعکاس یافته است، دل خوش داشته، اما بر روابط گسترده و آشکار (بویژه به برکت افشای گریه های حزب توده ایران) این دار و دسته با جنایتکاران بعثی و مزدوران امپریالیسم آمریکا، چشم فرو بسته و به یکباره آب تظہیر بر سر آنها ریخته است. چرا؟

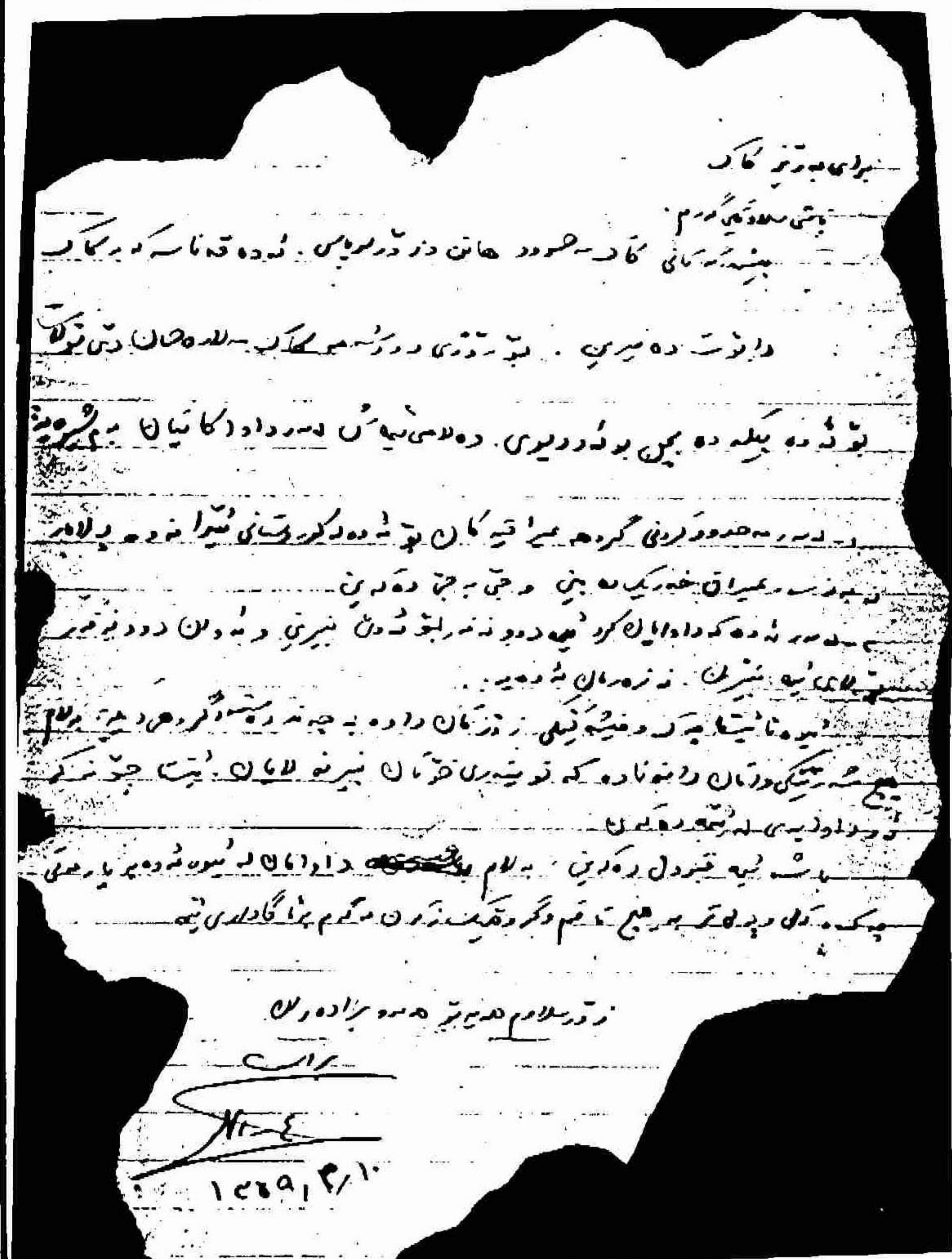
آیا چریکها مفهوم توبه گرگ را درک نمی کنند؟! (البته قاسملو گرگ نیست. او عامل بعث عراق و امپریالیسم آمریکاست، که آگاهانه برای تامین منافع ویژه اربابان سرمایه و جنایتکاران انحصارات بین المللی، به حزب توده ایران، اردوگاه سوسیالیسم و انقلاب ایران و دستاوردهای آن نفرت می ورزد و برای احیای منافع اربابان خویش، می درد، به خون می کشد و نابود می کند. چریکها فریب مگر چنین "گرگی" را خوردند؟) که ۴ روز و یازده ماه اخیر ۳۲ اکثریت مهاباد، قبل از "بیانیه" انتشار یافته است، نشان میدهد که، از چریکها با "گرگانی" که دریدن را تفسیح می کنند، نا آشنا نیستند. آنها در این ویژه نامه، ضمن افشای حامد بیگ، از مزدوران بعث عراق، که دستگیر شده است، ضمن اعلام روابط گسترده این مزدور با بعث عراق و وابستگی داخلی آن، می نویسند:

"ما نوار اعترافات حامد بیگ را نیز منتشر خواهیم نمود، تا مردم خود قضاوت کنند چه کسانی در ظاهر علیه بعث شعار میدهند و در عمل با کثیف ترین مزدوران بعث عقد اتحاد می بندند. وجود حامد بیگ سند محکومیت کسانی است که بدنام خلق علیه خلق توطئه می کنند و برای پوشاندن روابط زشت خود با مزدوران بعث دست به عوام فریبی می زنند. چریکها می افزایند: "کسانی پیدا شده اند که میکوشند زیر پوشش دفاع از حقوق خلق کرد و مقاومت در مقابل جنگ-افروزیهای هیئت حاکمه (!)، با رژیم بعث روابط بد، بستان برقرار نمایند."

و: "هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعث و سایر ایدئولوژی امپریالیسم از جانب نیروهای انقلابی و ترقی خواه گرفته نشود، آنها بر سر جنبش ملی خلق کرد در ایران... بلایی را خواهند آورد که...

"موقعیت نیروهای وابسته به بعث در کردستان ایران در مقایسه با سال گذشته و حتی چند ماه قبل این حقیقت را ثابت می کند که، هرگاه به مبارزتها

سند سر سپردگی قاسملو به بعث عراق



ترجمه سند

برادر گرامی... پس از سلامهای گرم پیشمرگهای کاک محمود آمدند. خیلی ممنون، اینهم قه ناسکه بوسیله کاک... برایت می فرستم. روز سمنه کاک ملا رحمان نزد شما می آید تا با هم به آن سوی مرز بروید. جواب ما هم درباره تقاضاهای آنان بدین قرار است: ۱- در مورد محدود کردن گروه های عراقی تا از طریق کردستان به عراق حمله نکنند، مافعالیت می کنیم و درستش می کنیم. ۲- در مورد تقاضایشان که ما در نورآباد آنجا فرستیم و آنان نیز در نورآباد فرستند، نظر ما اینست: شما تاکنون اسلحه و مهمات زیادی به چند دسته گروه داده اید، اما چنین شرطی که نماینده خودتان را نزد آنان نفرستید، برایشان نگذاشته اید. حال چطور شده که ما این تقاضا را از ما دارید؟ باشد ما قبول می کنیم، اما تقاضایمان از شما اینست که به گروه های دیگر کمک تسلیحاتی و غیره نکنید، مگر با اطلاع ما. برای برادران سلام زیاد دارم. برادرت - قاسملو ۵۹/۳/۱۵

سراسیمه انفراد و شکست. نشان داد که چگونه انسان، دشمنان آشکار خلق کرد و مزدوران بعث عراق و امپریالیسم آمریکا چون کومله ها، علیارها و... را، از زمره متحدین خود می شمارند. نامه "مردم" در این مقاله اعلام کرد که، علیرغم دشمنهای آشکار قاسملو و همفکرانش علیه امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، عملکرد آنها را آشکارا در خدمت اهداف پلید این دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران می بیند.

در تاریخ ۲۳ تیرماه ۵۹، نامه "مردم"، ضمن افشای نامه "برادرت" قاسملو بسمک علیار، افسر فراری شاهنشاهی و از وابستگان امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، پیوند نزدیک وی را با دشمنان انقلاب ایران نشان داد.

در همین شماره، نامه "مردم" از ملاقات محرمانه قاسملو با طه جزواری، معاون رئیس جمهور و جلال مردم عراق، پرده برداشت و افشا کرد که قاسملو از علی قاضی (معروف به گوری رمش) عامل دیگرساو بعث عراق، مقادیر زیادی سلاح-بشرط آنکه علیه "هیئت حاکمه" و حزب توده ایران بکار رود - دریافت داشته است.

نامه "مردم" در تاریخ ۱۸ تیرماه ۵۹، از رابطه قاسملو با "ناتو" پرده برداشت و اعلام کرد که این مزدور ۹۹ میلیون دلار برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران و بالنتیجه علیه منافع خلق کرد، از اتحادیه نظامی سرمایه داری جهانی "کک" گرفته است.

نامه "مردم" در تاریخ ۱۴ مردادماه ۵۹، ضمن انتشار نامه شورای فرماندهی سپاه سگو به قاسملو و همفکرانش، اعتراضات این بخش از نیروهای صدیق خلق کرد را علیه اعمال خائنانانه و توطئه - گرانمایان، منعکس ساخت و در همین شماره خاطرنشان ساخت که قاسملو در یک سخنرانی به تاریخ ۵۹/۵/۷، گرفتن "کک دولتهای دیگر" مورد تاکید قرار داده و افزود ما است که "تشریح نابودی خواهیم جنگید".

نامه "مردم" در تاریخ ۱۶ مردادماه ۵۹ (روز پیش از امضای "بیانیه مشترک")، سند تکان دهنده ای منتشر ساخت که در آن وابستگی تام و تمام قاسملو به بعث عراق، با وضوح تمام به اثبات رسیده بود. در این سند، قاسملو سر سپردگی خود را به بعث مورد تایید قرار میدهد و حتی می پذیرد که او (فرستاده بعثی)، فعالیت های قاسملو و همفکرانش را مورد نظارت و هدایت قرار دهند.

اندکی بعد، یعنی در تاریخ ۲۰ مردادماه ۵۹، نامه "مردم" از ملاقات محرمانه قاسملو با خاش برده برداشت و اعلام کرد که این دو در اواخر تیرماه ۵۹ در عراق جهت تشریح مساعی علیه انقلاب ایران با یکدیگر ملاقات کرده اند.

"اکثریت" بهنگام امضای "بیانیه مشترک" نمی توانست از این حقایق تکان دهنده بی اطلاع باشد، برعکس، بعنوان یک نیروی سیاسی مدعی مدافعه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می بایست از همانها آگاه باشد. ولی چریکها ظاهرا ترجیح داده اند که بر این حقایق چشم فرو بندند و به دیگران اعلام کنند که "گرگ" طبیعت خود را تغییر داده است و با این اقدام خود ظاهرا کوشیدند اند که به "گرگ" نیز بقبولانند که طبیعت خود را تغییر دهد!

چریکها نه فقط با تازانهای حقایق دهشتناک هشدار نشدند، بلکه حتی حقایق را که خود بدانها پی برده بودند نیز کتمان کردند. آنها چهار روز قبل از امضای "بیانیه مشترک"، از حامد بیگ، مزدور بعث عراق، بسیار چیزها شنیده بودند. آنها میدانستند که حامد بیگ اصولا برای ملاقات با قاسملو به مهاباد آمده بود و است ویس از این ملاقات نیز توسط چریکها دستگیر شد. چریکها سه سوال نخستین را که حامد بیگ به آنها پاسخ داده بود، منتشر ساختند و علیرغم آنکه خود همواره تاکید می کنند که "نباید به مردم دروغ گفت"، ۴ روز بعد، بیانیه ای با گروه قاسملو امضا کردند، که در واقع به مردم کرد و دیگر نیروهای صدیق، دروغی بزرگ در مورد ماهیت قاسملو ها حویل میداد.

اشتباه عظیم چریکها بویژه در آنجاست که، آنها توجه نکردند که این قاسملو و همفکرانش نیستند که با آنها "بیانیه" مشترک امضا کرده اند. چریکها درست در زمانی با این ساندخائنین بموافق رسیدند، که دو ماه قبل از آن (در تاریخ ۱۰ خرداد ۵۹) قاسملو با بعث عراق به توافق رسیده بود، که در قبال تجهیز مادی و تسلیحاتی او و گروهش، سرسپردگی کامل آنها باشد و دو عراقی را سز برای نظارت بر اجرای این عهد بندی بپذیرد. وی، چریکها بی آنکه خود بخوانند، با آن دو "ناظر" عراقی و با رژیم بعث عراق، "بیانیه مشترک" امضا کرده اند!

چریکها در زمانی با قاسملو و همفکرانش "بیانیه مشترک" امضا کردند و آنها را خصم امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و نمودند و حتی گروه قاسملو بهرکت افشاریهای نیروهای مترقی و انقلابی، زیر ذریعه شدید افکار عمومی و نیروهای آگاه خلق کرد و دیگر نیروهای صدیق انقلابی قرار گرفته بودند. امری که

نیروهای وابسته توجه جدی مبذول نکرد، دیری نخواهد پایید که نیروهای وابسته به بعث و امپریالیسم از طریق نفوذ در جنبش ملی، به انقلاب مردم ایران و جنبش ملی خلق کرد ضربات جبران ناپذیری وارد خواهند ساخت. "از نظر ما، بدون مبارزه ای پیگیر و بی امان با نیروهای وابسته که همواره در تلاش جنگ افروزی می باشند، استقرار صلح و تامین حقوق عادلانه خلق کرد امکان پذیر نخواهد بود."

اما ۴ روز بعد، چریکها این نظریات صحیح، بجا و مستولانه را در قبال "گرگی" بسیار خطرناکتر از حامد بیگ به فراموشی می سپارند. فراموش می کنند که کسانی یافت میشوند که "در ظاهر علیه بعث شعار میدهند و در عمل با کثیف ترین مزدوران بعث عقد اتحاد می بندند"، فراموش می کنند که "کسانی پیدا شده اند که... زیر پوشش دفاع از حقوق خلق کرد... با رژیم بعث روابط بد، بستان برقرار می کنند" - فراموش می کنند که "هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعث گرفته نشود"، "بمبارزه با نیروهای وابسته توجه جدی مبذول نکرد"، جنبش خلق کرد لطافت هولناک خواهد دید و به انقلاب ایران نیز ضربات جدی وارد خواهد شد.

در "بیانیه" آمده است: "سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان (منظور گروه قاسملو است) همواره (!) بر این امر تاکید داشتند که مسأله کردستان راه حل نظامی ندارد، و اینکه در صورت ادامه جنگ... فرماندهان مزدور و خائن ارتش... سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم (که لابد قاسملو و همفکرانش جزو آنها نیستند!)، امکان می یابند... کودتای دیگری را... (برای) تحکیم مجدد سلطنتشوم-امپریالیسم آمریکا، تدارک ببینند."

"بیانیه مشترک" اعلام کرده است که گروه

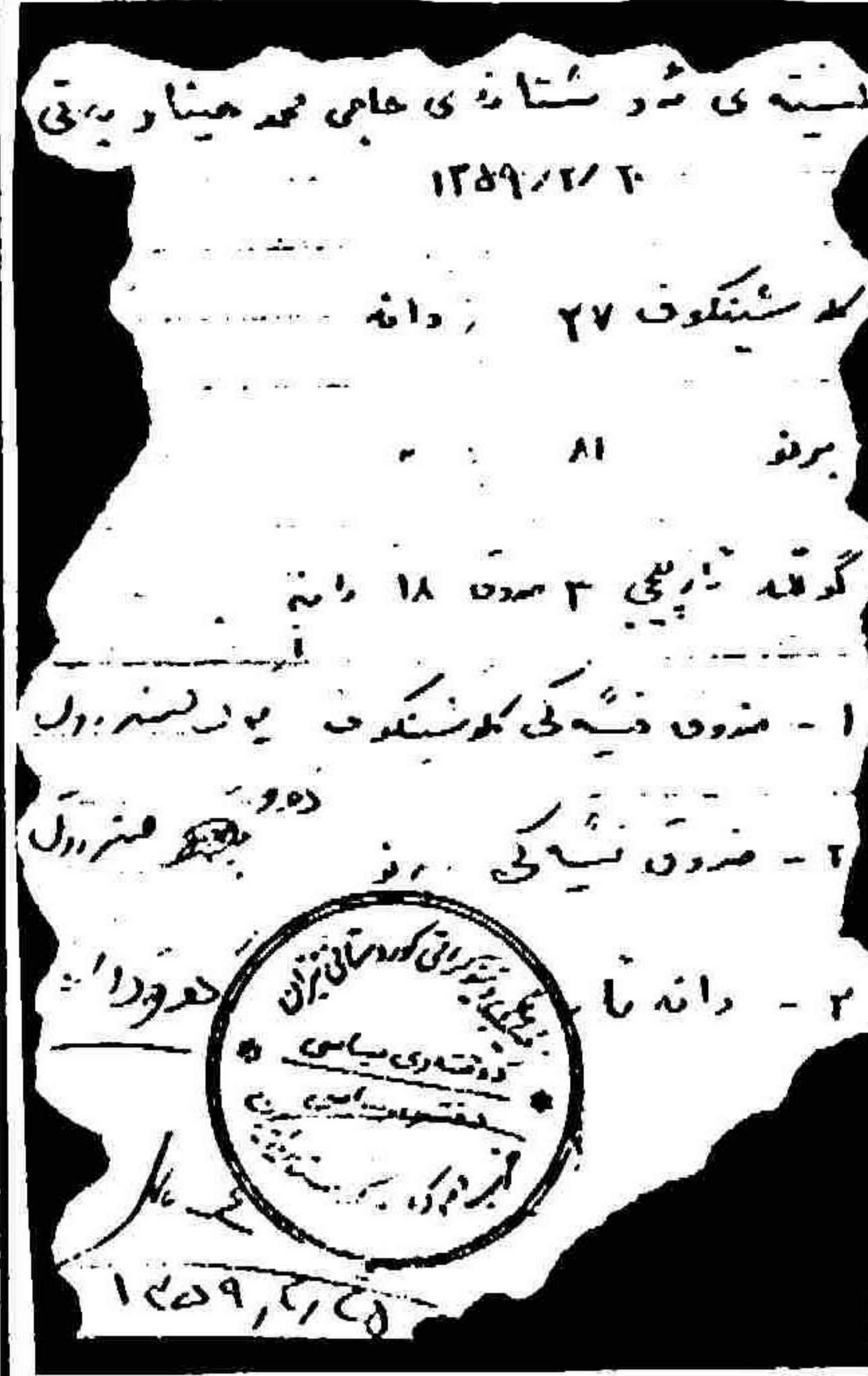
رسید قاسملو در قبال تحویل اسلحه عراقی

ترجمه سند

لیست اشیاایی که حاجی محمد آورده است:
 ۵۹/۲/۲۰
 کلاشینکوف ۲۷ قبضه
 برنو ۸۱
 کلوله آر. پی. جی ۳ صندوق ۱۸ عدد
 ۱- فشنگ کلاشینکوف یک صندوق
 ۲- فشنگ برنو دو صندوق
 ۳- تعداد آر. پی. جی دو عدد
 مهرداد فرسیاسیج د. ک. ا
 ع- قاسملو
 ۵۹/۲/۲۵

توضیح سند

منظور از حاجی محمد، حاجی محمد جیان است که در منطقه اشویه زندگی می‌کند. وی بدستور قاسملو تا بحال دو بار به عراق رفته و اسلحه وارد کرده است. وی با علی قاسمی (کوریه‌ش) و سردار جاف ملاقات داشته است. او همچنین رابط بین محی الدین هرکی از عمال سرشناس بعث عراق و رشیدیک جهانگیری نیز هست.



رژیم «سیاه» ساخته و فاشیستی شیلی، ایران انقلابی را به «وابستگی» و «نقض قانون» متهم میکند!

«سیا» پرورده‌ای، که در قبال دسیسه‌های تجاوزکارانه و مداوم امپریالیسم آمریکا به حاکمیت و تمامیت کشورمان، حتی یک کلمه از ارباب مذمت نکرد، و نمیتوانست هم بکند، اینک گستاخانه از «نقض قوانین بین‌المللی» سخن می‌گوید!

تصمیم دولت ایران مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک باشیلی، به عنوان «اعتراض به اقدامات سیاست‌اختناق و سرکوب»، درست درآستانه یکی از فاجح‌ترین نمونه‌های نقض قانونیت رژیم اعلام گشت که، قانونی نمایی آن در تدارک «قانون اساسی!» فلاسی، تنها عمق ماهیت مزورانه، خونخوار شیلی را نشان می‌دهد.

به موجب این «قانون اساسی!»، جلادشیلی، که در هفت سال پیش تنها «قانونیت» آن تکیه بر سر نیزه بوده‌است، شش سال دیگر براریکه قدرت باقی خواهدماند. وی پس از آن نیز، چنانچه «ضرورت» (بخوان: ضرورت ادامه رژیم ترور و اختناق) ایجاب کند، این حق «قانونی!» را خواهد داشت، که برای یک دوره دیگر به جنایات خود ادامه دهد.

پیش نویس «قانون اساسی!» پینوشه به «دادگاههای» شیلی این حق! را میدهد که علیه «نشر عقاید و اخباری که با اخلاقیات، نظم عمومی، امنیت ملی و زندگی خصوصی شهروندان، مغایرت دارد»، بمقابله بپردازند.

در این متن عین اظهاراتی که دیکتاتور شیلی در هفت سال گذشته بارها برای توجیه «قانونی» رژیم ترور و اختناقش بکار برده است، تسجیل «قانونی» می‌یابد.

طبق این «قانون اساسی!»، فعالیت همه احزاب و سازمانهای سیاسی «هوادار دگرترین‌هایی که مشوق قهر هستند و نظراتشان در باره جامعه، دولت و نظم قضایی بر پایه خودگامگی و نبرد طبقاتی استوار است»، ممنوع اعلام شده است. فزون بر این، در پینجسال آینده، پینوشه و خونخوار «سنا» رانیز بر خواهندگزید. این ماده «قانونی» بلافاصله حکومت فاشیستی فرانکو را بیدامی آورد. هرچه باشد یکی از طراحان «قانون اساسی» کذابی، خائیم گوزن، مشاور «ایدئولوژیک» و یکی از میریدان سرسخت دیکتاتور اسپانیاست. واقعا، وقاحت (بخوان: پینوشه) میخواهد که، سرکرده رژیم «سیا» ساخته، درآستانه چنین قانون شکنی آشکار، ایران انقلابی را به وابستگی و نقض قانون متهم کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از سانیاکو، پینوشه سرسپرده امپریالیسم آمریکا درشیلی، «عوامل هوادار شوروی!» را در دولت ایران متهم کرد که به موجب قطع روابط دیپلماتیک میان شیلی و ایران شده‌اند! همچنین وزارت خارجشیلی، در اطلاعیه ای، ایران را بمقتض «قوانین بین‌المللی» و «مداخله در امور داخلی» متهم ساخت.

به این ترتیب، می‌بینیم که اقدام درست و مثبت دولت ایران مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک با رژیم نیککار شیلی، چنانچه انتظار میرفت، خشم زمام داران آن کشور را برانگیخته‌است. این خشم نه تنها همه انقلابیون را شادمان می‌کند، بلکه این تا «سف» آنها را هم تا «بید» می‌کند که، چرا این تصمیم بجا، در نخستین لحظات پس از پیروزی، «مثلا» پایبای قطع روابط دیپلماتیک با رژیم مزاد پرست آفریقای جنوبی، اعلام نشد.

پینوشه و دارو دستاش با واکنش نامبرده، سرشت مزورانه و وابستگی عمودت آمیز خویش را به امپریالیسم آمریکا بار دیگر به ثبوت می‌رسانند. عنصر بلید و خائنی، که به گواهی خود مقامات آمریکائی، بیماری فعالانه «سیا» و با کودتای خون بار، حکومت قانونی و خلقی آئنده را واژگون ساخت و هفت سال است که بادست بازی به وحشیانه‌ترین ددمنشی‌ها به حکومت سرکوبگرانه خود ادامه میدهد اینک قطع روابط دیپلماتیک ایران را باشیلی، نتیجه وجود «عوامل هوادار شوروی!» در دولت ایران می‌داند و از نقض «قوانین» سخن می‌گوید!

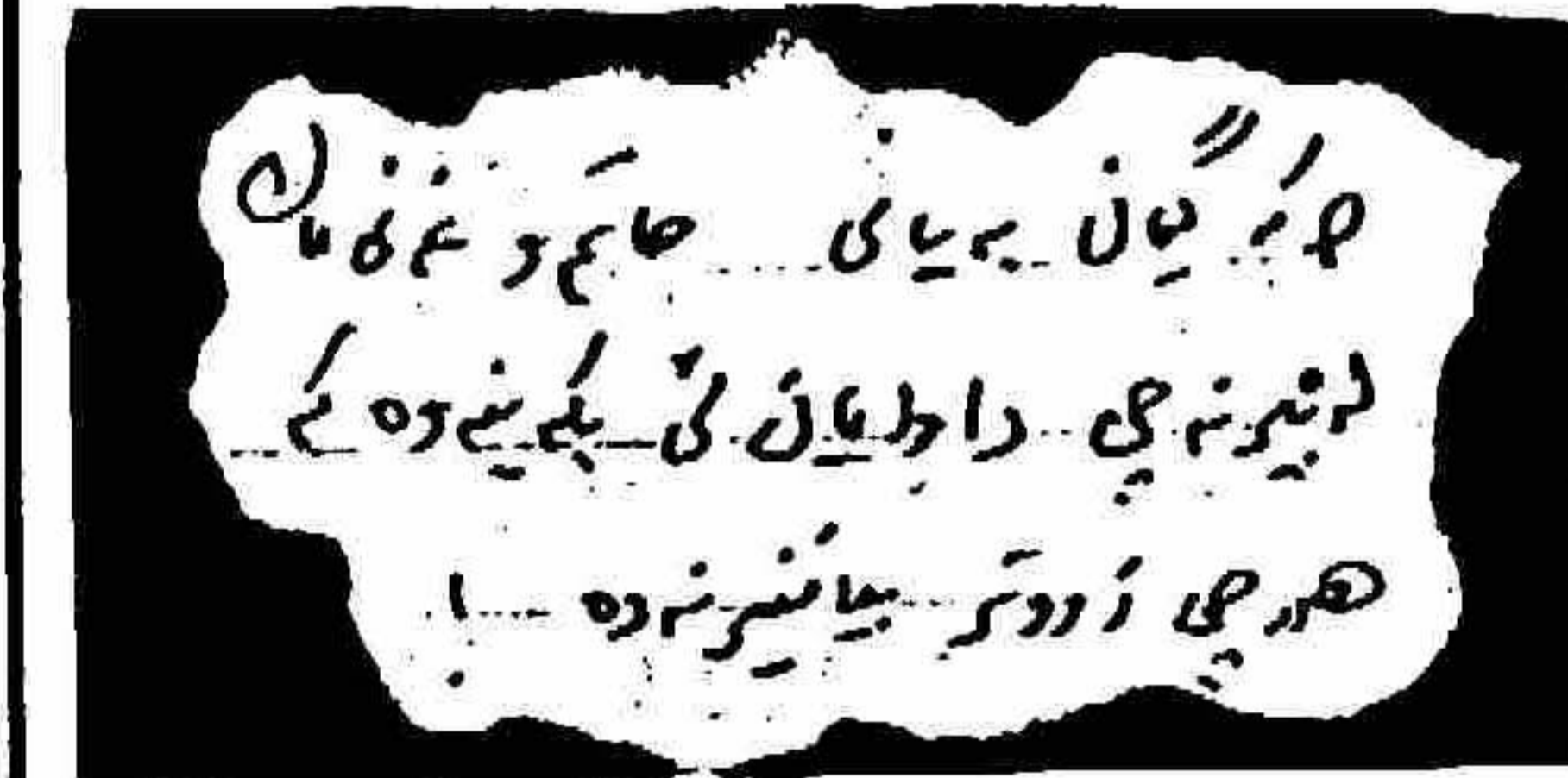
ادعای وجود «عوامل هوادار شوروی!» در دولت ایران، که گویا در نتیجه اعمال نفوذ آنها، روابط دیپلماتیک ما شیلی قطع شود، چنان مبتذل است، که حاجت به پاسخ ندارد. اما این ابتذال بار دیگر نشان می‌دهد که چگونه حتی خائنانی رسوا، چون پینوشه، برای استتار وابستگی خود به امپریالیسم آمریکا و پوشاندن رژیم فاشیستی خویش، از سلاح پینوشه، در این زمینه هم، عین تبلیغات پوچی را تکرار می‌کنند که مراکز جنگ روانی امپریالیسم و ارتجاع جهانی درباره با اصطلاح خطر کمونیسم، در ایران روز و شب بمخورد عام می‌دهند.

اتهام نقض «قوانین بین‌المللی» پینوشه و دستاش هم بهیچ روی مبتکرانه نیست. مگر نماند که کشورهای امپریالیستی و رسانه‌های گروهی اجیرشان از نخستین ساعت های پس از پیروزی انقلاب ایران و بویژه بعد از تسخیر انقلابی جاسوسخانه آمریکادر تهران، درباره با اصطلاح نقض قوانین بین‌المللی در ایران رجز می‌خوانند؟

افسران قاسملو در عراق آموزش می‌بینند

ترجمه سند (پشت سند پیشین)

برادر جان حاتم و غنی را فراموش نکنیم از آنها بخواهیم که هر چه زودتر برشان گردانند.



توضیح سند

منظور از حاتم، ستوان خلبان حسن حاتم است، و منظور از غنی، یک گروهان فراری نیروی هوایی است. این دو بدستور قاسملو تا کنون چند بار به عراق رفته‌اند و یکماهه در آنجا در شهرهای موصل و کرکوک دیده‌اند، تا در موقع لزوم هم پایگاههای مبارزان عراقی را در خاک ایران بمباران کنند و هم در توطئه‌های خائنانانه علیه انقلاب ایران مشارکت نمایند. این دو تا کنون قریب به نیم میلیون تومان پول عراقی و دهها قبضه اسلحه نیز وارد خاک ایران کرده‌اند. حاتم فرماندهی نیروهای پیشمرگ در منطقه ترگور و گورگور را بدستور قاسملو بر عهده دارد، و غنی معاون اوست.

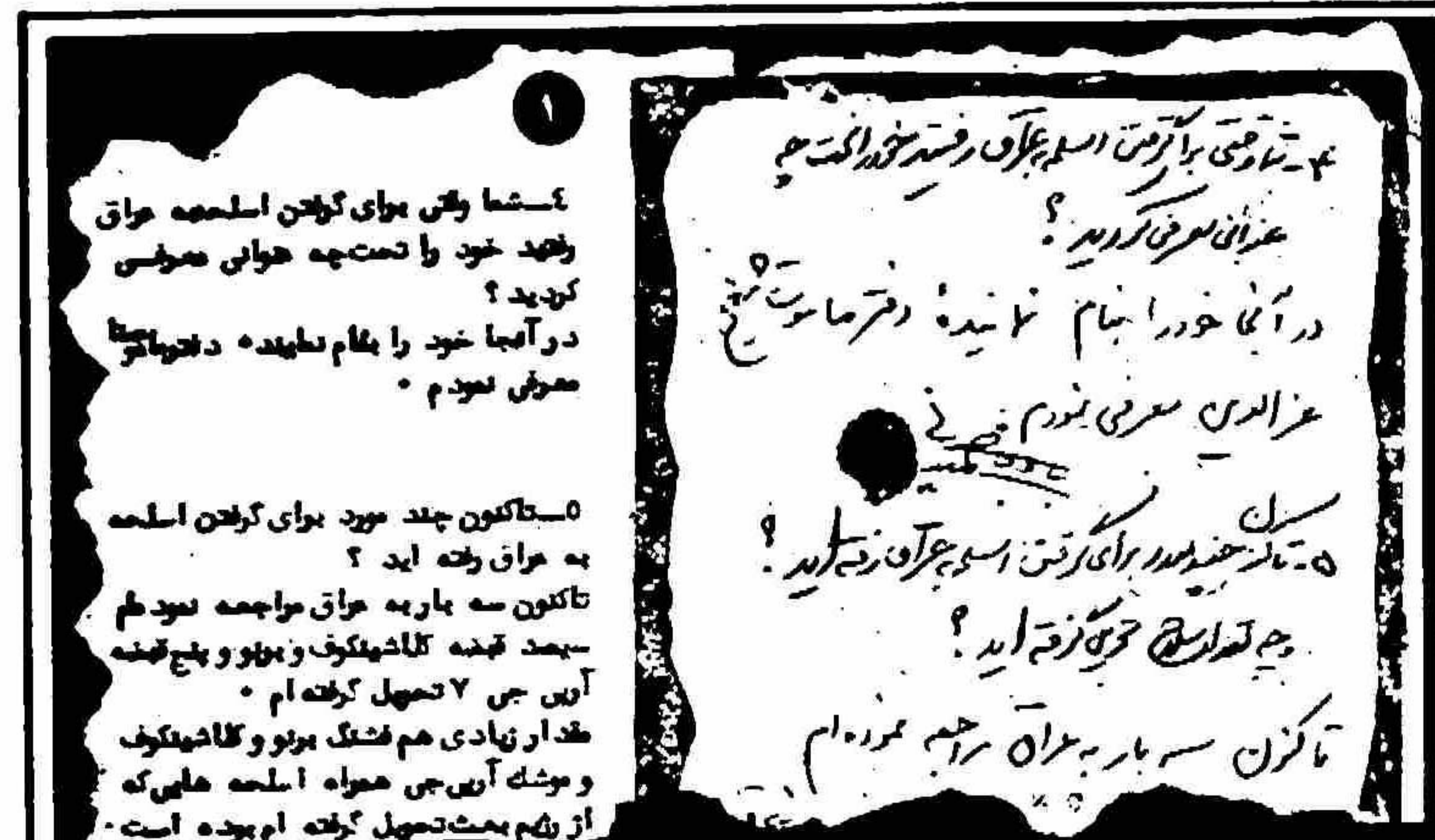
سه سوال نخست را در پیشگاه مردم افشا کنید!



خشم و کین دیوانوار آنان را برانگیخت و چهره واقعی این مزدوران بعثی را از پرده‌های همکرات - مابانه آنها عیان ساخت. قاسملو دستپارانش، چون کریم حسامی‌ها، در قبال این افشاکرینا به دفاعت حزب، تودما ایران حمله کردند، آنها را به آتش کشیدند، اعضا و هواداران حزب تودما ایران را مورد ضرب و شتم قراردادند و شخصیت های انقلابی و صدیق خلق کرد را بر بودند و تهدید بمرگ کردند.

چونیکه زمانی با گروه قاسملو به «توافق» رسیدند که بخوبی میدانستند، نیروهای صدیق و انقلابی در حزب دمکرات کردستان ایران، بسی بیش از آنکه چونیکه ضرورت تامین صلح در کردستان را تشخیص دهند و ادا میکنند برادر کشی را بسود امپریالیسم آمریکا و اصولا برافروخته شدن جنگ را از ناحیه عوامل امپریالیسم بعثت عراق، بدانند، از امر صلح در کردستان مذاقعه کرده و با آتش افروزان، یعنی باند قاسملو، جدالی سهمگین، ولی بی نتیجه را در درون حزب دمکرات کردستان، به انجام رساندند. چونیکه بخوبی میدانستند که قاسملو و همکراتش از عوامل اصلی جنگ اخیر در کردستان بوده‌اند و در زمانیکه احمد عزیز و فاروق کبیسرو (مسئولان) ستند و سفرو از رهبران پیروکنگر چهارم) طوسی اعلامیه‌هایی جنگ و درگیری را محکوم کرده و خواستار صلح و آرامش بودند دستور شرکت در جنگ را صادر کردند و بصر، گروهان فراری رکن ۲ و مسئول نظامی حزب دمکرات در ستند، بدستور قاسملو با کومه همکاری کرد و حزب دمکرات و کردستان را در جنگ برادر کشی درگیر ساخت.

چونیکه در دست در زمانی با قاسملو «بیانیه مشترک» امضا کردند و در آن اورا کسی که معتقد است «آدمه و گسترش جنگ برادر کشی در کردستان، به زیان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران (است)»، خواندند، گفتار و کبیسرو و احمد عزیز، درست بدلیل صدور اعلامیه‌های فوق - الذکر و مخالفت با جنگ افروزی قاسملو، در زندان باند قاسملو بسر می‌بردند (و می‌برند) و جان آنها در خطر جدی قرار داشت (و دارد). آیا این برخورد کک و ار، به مسخره گرفتن حقایق نیست؟ آنهاکه ۱۸ ماه است زیر لوای «دفاع از حقوق



امپریالیسم آمریکا با اثبات رسانده‌اند، درست در زمانی که زیر ضرب موج افشاکری نیروهای صدیق خلق کرد قرار دارند و عرصه را بر خود بشدت تنگ می‌بینند، ناگهان باخوش باورانی روبرو میشوند که حاضرند تنها در قبال مثنی کلمات آتشین علیه بعث عراق و امپریالیسم آمریکا، «گذشته» ها را فراموش کنند و آنها را خصم امپریالیسم آمریکا و بعثت عراق و انمود سازند.

اکثریت "بازنگار این اشتباه بزرگ، نه فقط از انجام وظیفه خطیر هر مبارز صدیق ضد - امپریالیست و مدافع حقوق خلق کرد، که همانا افشای این عوامفریبان و بیرون کشیدن ناگهان از دام فریب اینان است، شانه خالی کرده‌اند، نه فقط جبهه کارزار افشاکرانه علیه دشمنان خلق کرد را تضعیف کرده‌اند، بلکه با وثیقه نهادن اعتبار

خلق کرد"، در امر تامین صلح خرابکاری کرده و ضربات جدی بر اعتبار و نفوذ حزب دمکرات کردستان ایران وارد ساخته‌اند، آنهاکه چشم بر گسترش دامنه فعالیت گروههای مزدور یعنی فرو بستو اشغال خزنده کردستان را توسط بعث عراق و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا، نادیده گرفته - اند، با آنها همکاری کرده‌اند و از مقابله با آنها مخالفت نموده‌اند، آنهاکه طبق حقایق افشا شده، روابط مستحکمی با مزدوران کودتاجی امپریالیسم در ارتش برقرار کرده و در پیشبرد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و بعثت عراق علیه انقلاب ایران، از هیچگونه همراهی وهمدلی، فروگذار نکرده‌اند و اکنون نیز منتظر فرصت اند، تا در اجرای توطئه عظیم دیگری با آنها تشریک مساعی کنند، و بالاخره آنهاکه سرسپردگی بی‌چون و چرای خود را به بعثت عراق و

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

دهقانان مینویسند:

شورای ده آبگرم کوآن احتیاج به حمایت دارد

روستای آبگرم کوآن، ارومیه استان فارس است. رئیس سابق اجمن ده ورشس سابق سرک معاوی اس روستا (ارژمان رزم ماه سابق) از وضعیت خود سوءاستفاده کردند و مصلحتی بول واحسان سرک معاوی روستا را سرقت بردند. روستائیان سراز انقلاب به مراجع مسئول شکایت کردند. فردمدکوری از برکاری از روستا اینجمن ده، حویل دادگاه انقلاب شد. در جلسه دادگاه، روستائیان بانرط آنکداسی فرددست ارتوطندو بحریک واعمال خلاف خودبردارد. به آزادی او از زندان رضایت دلورند.

فقر و محرومیت در جنوب کشور بیداد میکند

روزیانده بخیره نامه مردم ارکان حزب توده ایران: مناطق جنوبی ایران بخصوص منطقه سیرسان بندرلنگه و روستاهای مانعه آن ارحله مناطقی هستند که فقر آشکار و بیکاری وسیع در آنجا بیداد می کند. روز بروز می نسیم روستاهای منطقه بندرلنگه حالی و حالی ارنگه می بود و علت حزی حر فقر و بیکاری وسیع است که همس کرساکنر مردمان محروم این مناطق بوده است. نسبت. هسکدام از روستاهای منطقه بندرلنگه ارسادت برس و اسدانی برس امکانات زندگی ارضیل کار. بنیادس همگانی. برق و آب آسانسندی بنیادسی و عمره برخوردارسند که اسها علب عمده کوچ کردن اهالی این منطقه به شهرهای مجاور ود خارج از کشور و سحسینیای خلیج فارس است. سعوان مثال:

کفشان دوره مجرد مهاباد: ما اصلا فراموش شده ایم



هررهکدری کنار حیایان ناصی محمد بکدرد. بی اختار موجه واگسیها و تعمیرکنندگان کفش می شود. که در کنار خیابان ساط خویش را کسورده - اند و با حرکت بند دستاشان، کفشهای عابروان را برق و جلا می اندازند و با مشمول بیند کردن ته کفشهای پاره و یاسانیده شده هستند، و گاهگاهی نیز با نگاهی حسرت بار رهگذران را می یابند. در مهاباد حدود ۲۵ نفر از این نوع کفشان دوره کرد وجود دارد. البته این تعداد در نوسان و تغییر است، چون هر یک، نابدست آوردن شغل مناسب تر، این نوع کفشان را کنار می گذارد. آنها غالبا روزانه ۱۱ الی ۱۲ ساعت کار می کنند و درآمدشان به زحمت کفاف مخارجشان را می دهد. بعضی از این کفشان همکاری نیز دارند، که در هتلهای یا کافهها و جاهای پرجمعیت، به دنبال یاضتی مشتری روان میشوند. دلیل عمده روی آوردن اینان به این نوع کفشان، نداشتن کار مشخص بوده است و بیشتر به خاطر فقر و تنگدستی. با چند نفر از این کارگران کفشان به صحبت می نشینیم.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

درنده گران یک پزشک میتواند جان بیماران را از مرگ نجات دهد

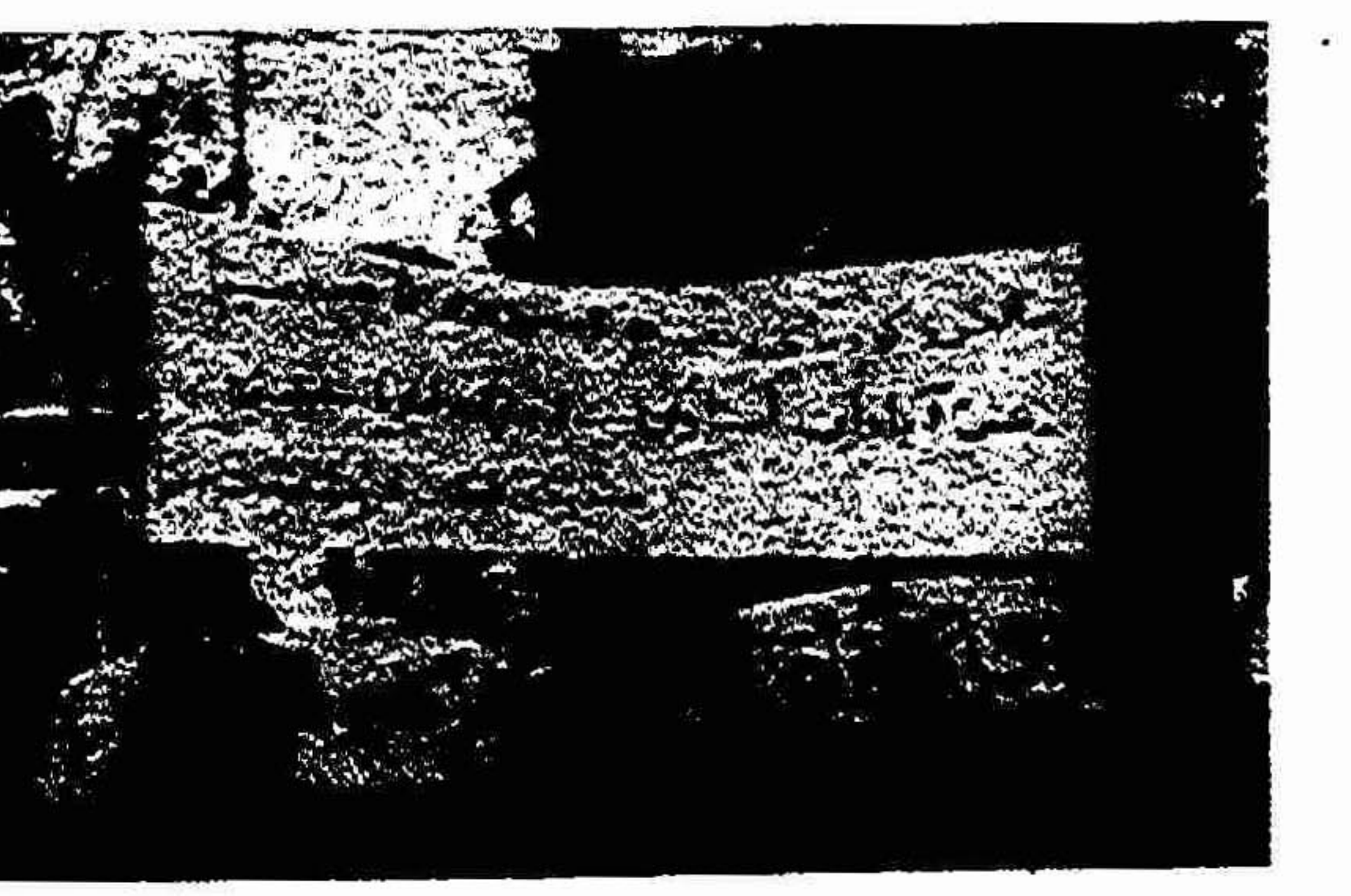
اخیرا فتوکپی نامهای به امضاء ۵۰ نفر از اهالی روستای ننه گران (از توابع بخش نمین در اردبیل) به دفترنامه "مردم" ارسال شده است. روستائیان در این نامه می نویسند: "احتراما اینجانبان امضاء کنندگان زیر به استحضار می رساند که قریبه ننه گران با قریب ۳۰۰۰ نفر جمعیت و ۱۰۰ قریبه در حومه اش نیاز مبرم به درمانگاه دارد که ساختمان آن در سال ۱۳۵۸ تمام شده و آماده بهره برداری، در

صورت وجود یک نفر پزشک، است. باتوجه به برنامه دولت و رهبرانقلاب جهت تحت پوشش قرار دادن تمام روستاها از نظر درمانی و بهداشتی و اینکه با یک نفر پزشک می توان درمانگاه فوق را افتتاح و ساکنین چندین قریه را تحت پوشش درمانی قرار داد مصرا نه خواستاریم که توسط بهداری و بهیستی نمایندهای جهت بازدید درمانگاه اعزام و به استخدام یک نفر پزشک عمومی مبادرت ورزیده تا درمانگاه شروع کار نماید." در ضمن همین نامه به دفتر ریاست جمهوری ارسال گردیده است. امیدواریم مقامات مسئول هرچه سریعتر نیاز مبرم این دهقانان رابه پزشک و دارو برآورده سازند.

بمناسبت سالروز کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کارگران سندیکای فلز کار مکانیک تهران و حومه، پرچم آمریکا را با آتش کشیدند. کارگر، زحمتکش برضد کودتایند

کارگران قریله میزدند! پالیزیان، یختیار، فرماندهان مزدور، در فکر کودتایند. بمناسبت سالروز کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، روز سه شنبه ۲۸ مرداد ۵۹ از طرف سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران و حومه مراسم در میدان گمرک برگزار شد. ابتدا در محل سندیکاسنخانی از سوی نمایندگان کارگران فلز کار دراز تریاٹ یا سالروز کودتای تنگین ۲۸ مرداد ایراد شد از جمله فراسی، یکی از مسئولان سندیکای گفت: «امیرالیم آمریکا در ۲۸ مرداد ماه سال ۳۳ بایک کودتای تنگین توانست اختلال و رژیم دیکتاتوری شاه مخلوق را بر مردم ایران تحویل کند» سپس رفیع زاده و ایرانی دوتن دیگر از مسئولان ددمورد این کودتای تنگین سخنانی ایراد کردند. رفیع زاده ضمن تاکید بر لزوم تشکیل کارگران در سندیکای برای دست یافتن به خواستهای بحق خود افزود: «ما کارگران در اثر اتحاد و تشکل است که میتوانیم به حوصله خود برسیم. دوستان کارگر، سرمایه داران از دسترچ ما است که بدینجا رسیده اند. سندیکای مال ما کارگران است. حقوق مسلم ما است. باید این سندیکای را تبدیل به سنگر مبارزه علیه سرمایه داری کنیم.» ایرانی ددمورد کودتای تنگین ۲۸ مرداد گفت:

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از روزهای سیاه جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران است. در این روز امیرالیم چنایتکار آمریکای و متحدان داخلی آن بانست زدن به یک کودتای نظامی مبارزات توده ها را سرکوب کردند. و بعد از آن یاندوره طولانی دیکتاتوری و خفقان برجایماند ما حکمفرما شد.» پس از اتمام این مراسم، در ساعت ۷:۳۰ کارگران تشکل در سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران و حومه، از محل سندیکای با در دست داشتن پلاکاردها و مترسکی از کارت چاپی، یختیار خاتن و شاه سابق، بطرف میدان گمرک به راهپیمایی پرداختند. پرپلاکاردها نوشته شده بود: سالگرد کودتای تنگین ۲۸ مرداد و قاجحه سینارکسی آبدان اسنادی است از جنایات امیرالیم آمریکا. در ضمن راهپیمایی کارگران شمار میدادند: پالیزیان، یختیار، فرماندهان مزدور در فکر کودتایند «کارگر، زحمتکش برضد کودتایند» اخراج هر کارگر، ضربه به انقلاب است خیمینی می رزمند آمریکا می لرزد الفاء سود ویژه، نفع سرمایه دار، علیه انقلاب است در حین راهپیمایی کارگران سندیکای فلز کار مکانیک، گروه کثیری از کارگران سایر صنوف و زحمتکشان اطراف خیابان شیرو خورشید به آنها ملحق شدند و یکصد و یا قاطبت هرچه تمام تر فریاد می کشیدند: هرگز بر آمریکا، هرگز بر آمریکا در میدان گمرک، طی مراسمی در حضور عده کثیری از مردم زحمتکش، پرچم امیرالیم آمریکا و مترسکهای کارت چاپی پیشه و یختیار مزدور و شاه ملعون به آتش کشیده شد. در پایان پلاکاردهای سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران و حومه، در اطراف میدان گمرک نصب شد. * * * خبرنگار نامه «مردم» که در این مراسم حضور داشت، پس از اتمام مراسم، بایکی از کارگران قالب ساز ترانکنار، مصاحبه کوتاهی انجام داد. این کارگر گفت:



«۷ سال است کار می کنم و مدت کوتاهی است که به سندیکای پیوسته ام و میدانم در اثر تشکل است که میتوانیم بحق خود برسیم. یا انقلابی که در کشور ما صورت گرفته، ما کارگران از رژیم جدید میخواهیم که سندیکای، این سنگر مبارزه کارگری را برسمیت بشناسد و خواستهای ما کارگران را از نظر یقه، بهداشت و امنیت محیط کار، مسکن تأمین کند و دستمزدها را نسبت به تورم موجود افزایش دهد و بهتر از همه ماده ۳۳ قانون تأمین اجتماعی را لغو نماید. از آنجا که پر از کودتای تنگین ۲۸ مرداد توسط امیرالیم آمریکا، این ما کارگران بودیم که بیشتر از هر فرد دیگر مورد استعمار واقع شدیم، و رژیم جدید به این امر واقف است، میاید تمام رابطه ما با امیرالیم جهانخواه آمریکا لغو شود. تا مملکت ما بتواند به استقلال خود برسد، زیرا در اثر استقلال است که ما میتوانیم جامعه خود را هر چه بهتر بسازیم.»

آماده باش! شیطان بزرگ می خواهد برگردد

دهقانان عزیز! شیطان بزرگ - آمریکای جهانخواه، از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، به کمک ایادی داخلی خود، از هیچ تلاشی برای نابودی انقلاب شکوهمند ما فروگذار نکرده است.

روزی نیست که آمریکا و دست نشاندهانش، یعنی سرمایه داران وابسته، زمین داران بزرگ و ساواکی ها علیه انقلاب مائوئست ننگند. زمین داران بزرگ و فئودالها، که از دست آورد بزرگ انقلاب، یعنی واگذاری زمین به دهقانان تبهی دست وحشت دارند، هر روز علیه شما دهقانان زحمتکش توطئه می کنند، خرمن های شما را آتش می زنند و یا شما را بی جهت دادگاه می کشانند، بین شما تفرقه می اندازند و یا در کار شما شوراها شنگ اندازی می کنند. آنها می خواهند بهترین تریبی شده مانع واگذاری زمین و اجرای قانون شوند.

دهقانان عزیز! اینبار امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ می خواهد به کمک عوامل داخلی خود باز هم سلطه زمین داران بزرگ و فئودالها را بر شما برقرار کند و از طریق واگذاری جمهوری اسلامی ایران باز هم کشور ما را اسیر خود سازد.

امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ برای نجات شیطان های کوچک، یعنی مالکان بزرگ و فئودالها می خواهد برگردد. پس باید یکبار دیگر منتظر دست و پنجه نرم کردن با او باشیم.

دهقانان عزیز و مبارز! اینبار باید روستاها و شهرهای ایران را به قبرستان آمریکا و توکرائش میدل ساژم. برای این هدف مقدس، که دفاع از سرزمین خود هستی خود است، در هنگام بروز خطر، یعنی همین حالا، به تکات زیرین توجه کنید:

- ۱- در بسیج عمومی برای مقاومت در برابر شیطان بزرگ شرکت کنید.
 - ۲- در هنگام بروز حمله شیطان بزرگ، به نهادهای انقلابی، مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی یاری رسانید و هرگونه اطلاحی از وجود توطئه عوامل شیطان بزرگ دارید، به نهادهای انقلابی خبر دهید.
 - ۳- برای مقابله با دشمن و متشکل کردن توده دهقانان زحمتکش قورا اتحادیه های خود را تشکیل دهید و نمایندگان خود را به نهادهای انقلابی معرفی کنید، تا شما را برای مقاومت مسلحانه در برابر شیطان بزرگ یاری رسانند.
- دهقانان مبارز! پیروزی یاسماست، زیرا حق با شماست!

آمریکا می خواهد اعصاب ما را ...

پتی از صفحه ۱ هستند. اکنون سفرای کشورهای دوست آمریکا آمده اند و شما اعتراض میکنند که چرا گذاشته ایم جاسوسهای دیپلماتهای آمریکا حکومت انقلاب را براندازند و حکومتی از نوع همان حکومت شاه بجای آن بگذارند.

لحن نامه سفیران کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، که آنرا «تقاضا» نامیده اند، از «یادداشت» گروه قبلی نیز خشن تر و زنده تر است. کسانی که به زبان مکاتبات رسمی بین المللی آشنا هستند، نمیتوانند از کلماتی که در این «تقاضا» بکار برده شده است، تعجب نکنند. آنها استفال جاسوسخانه آمریکا را «به تمامهتی یک تجاوز یقوانین بین المللی... و حرکات غیر قابل قبول» می نامند و تهدید میکنند که این حرکات متواقب ناخوشایندی در روابط این دولتها و ایران خواهد داشت و برقراری «تولابروابط حسن خود را با جمهوری اسلامی ایران» موکول به آزادی «روکتابها» میکنند و «مجددا مراتب تکرانی خود را در مورد رفتار انسانی آنها اظهار می دارند».

به گمانی که در متن زیر (برچسب شده است) توجه کنید: تجاوز به معنی، حرکات غیر قابل قبول، عواقب ناخوشایند، روابط حسن خود را (که معلوم میشود اکنون از بین رفته است)، تکرانی از رفتار انسانی... معنای این کلمات در زبان مکاتبات دیپلماتیک، بر مراتب خشن تر و زنده تر از زمانی عادی آنهاست.

فتار یکجای دنیای سرمایه داری به انقلاب ایران نشانگر آنست که این دنیا هنگامیکه پای منافع سرمایه داری، بعنوان یک نظام اجتماعی - اقتصادی - سیاسی در میان باشد، تاجه اندازنده متحد و یکپارچه است. این یکپارچگی تنها در اعمال فتار اقتصادی، سیاسی و نظامی برانقلابیهای ضد امپریالیستی ظاهر نمیگردد. آنان در تلاش برای بازگرداندن نظام سرمایه داری وابسته در گوشه های از جهان نیز به همین اندازه متحد و یکپارچه اند و تمام امکانات خود را در کمک رساندن به ضد انقلاب داخلی بهین ترتیب متمرکز میسازند.

انگلستان، فرانسه و آلمان غربی، دوش بدوش آمریکا و اسرائیل در تجیز، تعلیم و جمع آوری اطلاعات برای شبکه ضد انقلاب در داخل و خارج ایران فعالیت میکنند. امپتان ضد انقلاب به پیروزی نیز از همین پشتیبانی نیرومند سرچشمه میگیرند.

جبه واحد ضد انقلاب داخلی و خارجی تعرض وسیع خود را در تمام زمینه ها آغاز کرده است. اگر نمایندگان سیاسی کشورهای سرمایه داری ایران را ترک میکنند، اگر آنان از «روابط حسن دوباره» سخن میگویند، معلوم میشود که در مرحله بنیانی آرایش قبل از طوفان بس میریم و دشمنان انقلاب ما، با آغاز این جنگ روانی، که یکسری آن «بیب گذاری» و سر دیگر آن «نامه نگاری» است، اعصاب ما را امتحان میکنند.

ما برای پیروزی در این نبرد سرنوشت ساز باید اراده ای آهنین و ایستایی تزلزلناپذیر داشته باشیم. امپریالیسم آمریکا و متحدانش که اکنون

پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه کوشش دولت آمریکا را برای تحمیل امیال و سیاست ارتجاعی خویش به خلقهای عرب قاطعانه محکوم ساخت

جندی پیش دربار برگزاری پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه و مهم ترین مضمون آن در صفحات نامه «مردم» گزارش دادیم. کنگره پنجم، پس از بررسی همه جانبه فعالیت های حزب در سالهای گذشته، وظائف آن را در دوران آینده مشخص ساخت.

رفیق خالد بگدش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، در مساجلهای با «برادها» نکاتی چند در اینباره اظهار داشت، که مهم ترین بخش های آنرا در زیر از نقل خوانندگان گرامی میگردانیم:

رفیق خالد بگدش گفت: «بیش از همه باید تاکید کرد که، کنگره در شرایط سیاسی پس ششوار برگزار شد و ویژگی اوضاع کنونی در خاورمیانه آنست که، امپریالیسم و ارتجاع خانگی فعالیت های خطرناک خویش را شدت میبخشند. در چنین وضعی، رهبری کشور ما سیاست خود را به یافتن راهحلی عادلانه برای مسئله خاورمیانه و تحکیم وحدت عمل کشورهای عربی استوار ساخته است. سوریه در «جبهه ملی پایداری»، که به عاملی مهم در یکپار یاسیسه های امپریالیسم و صیونیسم در منطقه تبدیل شده است، نقش فعالی ایفا میکند. کشور ما توطئه کمپ یوید را قاطعانه محکوم ساخت. بگدش خالد بگدش، کنگره پنجم کمونیست های سوریه تصمیم گرفت که در راه تحکیم استقلال ملی سوریه و افزایش توان نیروهای ترقی کشور بکوشد. این نیروها خواهان آنند که، اسرائیل همه سرزمین های اشغالی عرب را ترک کند و خلق عرب فلسطین از حقوق حقه خود - از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک دولت مستقل، بهره مند گردد. وی افزود: «از تریبون کنگره خود تمام احزاب «جبهه ملی ترقی سوریه» را فراخواندیم که نقش «جبهه» را تقویت بخشند و از آن هر چه بیشتر برای بسیج خلق سوریه در مبارزه علیه امپریالیسم و سرسپردگان آن در خاورمیانه استفاده جویند».

کمونیست های سوریه معتقدند که باید بخت دولتی را در اقتصاد ملی گسترش بخشید، اصلاحات ارضی رایجگیرانه جامه عمل پوشاند و از نفوذ کلان زمینداران در روستا کاست. نمایندگان کنگره پنجم حزب کمونیست سوریه برای مبارزه در راه دگرگون سازی بنیادی و فعالیت سازمانهای توده ای اهمیت فراوان قائل شدند و نتایج اجلاس «رهبری مرکزی» «جبهه ملی ترقی سوریه» و قطعنامه های هفتمین کنگره منطقه ای حزب یمت عرب سوسیالیستی» را مثبت ارزیابی کردند.

از سوی دیگر یادآوری شد که وضع داخلی سوریه در دوران گذشته به وخامت گراییده است. این تحول ثابت میکند که، ارتجاع وابسته به امپریالیسم و صیونیسم، از هر فعلتی برای تعدید فعالیت های تبه کارانه خود علیه دستاوردهای ترقی یافته خواهد جست. کمونیست های سوریه کارزار ترقی و ارعاب سیاسی ارتجاع را علیه نیروهای مین پرست کشور شدیداً محکوم میکنند.

رفیق خالد بگدش گفت: «گردهمایی کمونیست های سوریه مؤسس ریگر اتحاد شوروی را در برابر مسئله خاورمیانه و دیگر مسائل مهم بین المللی ستود. کنگره با اتفاق آراء پشتیبانی خود را از تقویت دوستی میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سوریه ابراز داشت».

کمونیست های سوریه برخی سیاستمداران راه، که برای تحمیل تئوری «دو ابر قدرت» به خلق های عرب و هم تراز جلوه دادن منافع صلح خواهانه اتحاد شوروی و تجاوز کاری ایالات متحده آمریکا تلاش میوزند، مورد انتقاد قرار دادند. بگدش دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، «کنگره کوشش دولت آمریکا را برای تحمیل امیال و سیاست ارتجاعی خویش به خلق های عرب قاطعانه محکوم ساخت».

نمایندگان کنگره تحکیم وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تسکلیاتی حزب را مورد توجه خاص قرار دادند. و تحقیقگیر اصول لنینی کار حزبی را خواستار شدند.

رفیق خالد بگدش در پایان یاد آور گشت: «کمونیست های سوریه به هدف های خویش اقتصاد را بسخندارند و به دیده خوشبینانه به وقایع آتی خود می نگرند. آنها با دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هم آوا هستند که، سالهای هشتاد پیروزیهای جدیدی را در امر ساختمان کمونیسم، تحکیم و گسترش سوسیالیسم جهانی و تعیین صلح پایدار در بر خواهند گرفت».

بربره روی صحنه آمده اند، ناواتر از آنند که بتوانند سیر تاریخ جهان را، که از بردگی و استثمار بسوی آزادی و عدالت پیش میرود، تغییر دهند.

اما آنها میتوانند مبین ما رابه دشواریها و مصائب سخت بکشانند و ما باید برای تحمل این دشواریها، بخاطر رهائی میهنان از جنگال دنیای غارتگر امپریالیسم، فداکاری کنیم.

مسئله ما با امریکاست مسئله «گروگنهای» نیست و حجت الاسلام رفیقتجانی درست گفته اند که:

«اگر مشکل جاسوسها حل شود، امریکا عداوتی با انقلاب ما بیشتر میشود».

عداوت امریکا با انقلاب ما وقتی پایان میپذیرد که امپریالیسم توانسته باشد نظام جمهوری اسلامی ایران را براندازد و یا آنرا از داخل یوسانیده، چون مصر ناصر به مصر سادات تبدیل نماید و یا ضیاعالحقی را بنام اسلام برگرداند سوار کند. اگر نمیخواهیم انقلاب خونینمان به چنین سرنوشتی دچار شود، باید برای رویارویی با امپریالیسم امریکا در تمام جبهه های جنگ اقتصادی، سیاسی، نظامی و روانی آماده باشیم و اعصابمان را نیز چون ایمانمان قوی نگاه داریم.

رفیق پرویز صادقی را آزاد کنید!

قریب به یکماه از بازداشت بدون دلیل رفیق پرویز صادقی، مسئول سازمان حزب توده ایران در کرمانشاه میگذرد و نتاسفانه مسئولین جمهوری اسلامی ایران در کرمانشاه هنوز اقدامی در جهت رفع این عمل غیرقانونی و نادرست بعمل نیآورده اند.

بازداشت یکی از مسئولین حزب توده ایران، در شرایطی که در آستانه یورش متحد امپریالیسم آمریکا و وابستگانش علیه انقلاب ایران قرار داریم و در شرایطی که تمام اعضاء و هواداران حزب توده ایران جان

حمله صهیونیستهای اسرائیل به جنوب لبنان دفع شد

صهیونیستهای اسرائیل بار دیگر از راه زمین، هوا و دریا، جنوب لبنان را مورد حمله قرار دادند. در جریان این حمله جنایتکارانه، که طی آن نیروهای صهیونیستی از آخرین هواپیماهای جنگی ساخت آمریکا که اخیراً به اسرائیل تحویل داده شده است، استفاده کردند. بگفته دولت لبنان، ۲۵ تن کشته و ۳۰ تن مجروح شده اند.

هدف اسرائیل از آن حمله تصرف مجدد نواحی اطراف سواحل رود لبنانی بود.

تدارک برگزاری سمینار مربوط به آغاز قرن پانزدهم هجرت در اتحاد شوروی ادامه دارد

کمیته تدارکاتی در مورد برگزاری سمینار مربوط به آغاز قرن پانزدهم هجرت، در مسکو به کار خود پایان داد. قرار است این سمینار اوائل سپتامبر در تاشکند، پایتخت ازبکستان شوروی، با شرکت صد ها مقام روحانی از جمهوری های آسیای اتحاد شوروی و کشورهای اسلامی برگزار شود.

بهمین مناسبت کتابهایی از جمله زیر عنوان «اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی»، «احادیث پیامبر اسلام» انتشار یافته است. همچنین تاکنون قرآن چندبار در اتحاد شوروی تجدید چاپ شده است.

از سوی دیگر صفحات قاریان قرآن در جمهوری های آسیای میانه پختی خواهد شد.

نیروهای مشترک فلسطینی و جنبش ملی لبنان (احزاب مترقی لبنان) شجاعانه در برابر نیروهای تجاوزکار صهیونیستی مقاومت کردند و تلفات زیادی به این نیروها وارد آوردند. بر اثر حملات قهرمانانه نیروهای فلسطینی و نیروهای جنبش ملی لبنان، نیروهای تجاوزکار صهیونیستی نتوانستند به هدفهای خود دست یابند و ناچار به عقب نشینی شدند.

گروهی از کارگران مجتمع آپارتمان سازی اکیاتان: با تشکیل سندیکا در راه تعمیق انقلاب و تامین منافع صنفی خود بکوشیم

گروهی از کارگران مجتمع آپارتمان سازی اکیاتان، وابسته به شرکت نوسازی و عمران تهران، که بیش از چهار هزار کارگر دارند، ضمن انتشار نامه ای، از همه کارگران دعوت کرده اند که با تشکیل سازمان صنفی خود در راه تعمیق انقلاب و تامین منافع صنفی خود بکوشند. در نامه از جمله چنین گفته میشود:

کارگران عزیز! بیش از یکسال و نیم است که از انقلاب پیروزمان ملت ایران میگذرد. اما در این مدت سیاست سازشکارانه دولت موقت و مسئولین و مدیران منتخب این دولت - که متأسفانه هنوز دارای نفوذ بسیاری در دولت و موسسات مختلف هستند از یکسو، و کارشکنی عوامل رژیم منغور گذشته از سوی دیگر، دست بدست هم دادند و باعث هدر رفتن نیروی عظیم مردم انقلابی کشورمان شدند، مردم ستمدیده ای که با خون شهیدان خود نهال انقلاب را بارور ساختند. ما در این مجتمع کارگری که بی شک یکی از بزرگترین واحدهای کارگری ایران است، آثارشوم این سیاست سازشکارانه را به چشم خود می بینیم. همه ماهه میلیون ها تومان بابت دستمزدها و سایر مخارج دیگر صرف می شود و با اینکه مواد و کلیه امکانات دیگر نیز یاندازه لزوم در دسترس است، ولی بطل مختلف، از جمله کارشکنی عوامل یاد شده وعدم برنامه ریزی صحیح، بازدهی کار خیلی کمتر از بخارجی است که میشود. و اگر به این نکته توجه داشته باشیم که قسمت اعظم ارزش آیدرمانیارا، سرمایه داران سابق خاندان منغور پهلوی و سایر وابستگان به آنها، از خریداران دریافت و به حساب خود در بانکهای کشورهای امپریالیستی واریز نموده اند، بهر ارضی خواهیم فهمید که کلیه هزینه های سرقشده پس از انقلاب - که چند صد میلیون تومان بر آورد شده است - باری است بر دوش ملت ایران. آنها هم شرایطی که ما، به گفته امام خمینی، با «شیطان بزرگ» امپریالیسم امریکال، در جنگیم، جنگی که امپریالیسم آمریکا برای تامین منافع از دست رفته اش بر ما تحمیل نموده است.



برای اینکه چرخ های امور در این مجتمع به حرکت درآید، ضرورت دارد که خواسته های بحق ما کارگران به حساب آورده شود و اینهم ممکن نیست مگر اینکه ما در انجمن صنفی خود سندیکال که طبق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است، متشکل و متحد شویم.

حال ممکن است این سؤال پیش آید که: بایودن شورا چه نیازی به سندیکاست؟ در جواب باید گفت که: در شورا نمایندگان اقشار مختلف کارکنان از جمله کارگران - و نیز کارفرما شرکت میکنند و در تعیین و اجرای برنامه ها مشارکت می نمایند و همانطور که دیده میشود، نماینده ما کارگران نیز رای برابر با نمایندگان سایرین دارد، یعنی در واقع ما همیشه در اقلیت خواهیم بود. اما سندیکا سازمان طبقاتی کارگران است، که به دست و با شرکت ما کارگران بوجود خواهد آمد و در جهت تامین منافع صنفی ما - از جمله تامین تنفلی - خواهد کوشید. ما به چه وجه قصد نداریم بین شورا و سندیکا، یکی را بر دیگری ترجیح دهیم، زیرا معتقدیم هر دوی آنها لازم است. با تشکیل سندیکای کارگران شرکت نوسازی و عمران تهران و فرستادن نماینده خود از سندیکا به شورا، شورا را تقویت خواهیم نمود و ضمن وصول مطالبات صنفی خود خواهیم توانست برای بالا بردن بازدهی کار، مسئولین امر را به اخذ تدابیر لازم و تنظیم برنامه های دقیق و اصولی وادار نمائیم.

در میان نیروهای انقلابی هرگونه تفرقه‌ای ارتجاعی است

مارکس

درباره وحدت و تضاد

ما با همه نیروهای صدیق انقلابی، اعم از آنکه متعلق بکدام مکتب یا سازمان هستند، خواستار وحدتیم نه تفاق

در کشور ما متأسفانه مرسوم است که با نسبت دادن مطالب بی‌مغز و فادریستی به طرف و سپس رد آن مطالب، قضایا را خیلی ساده حل می‌کنند. تنها به قضا رفته، راضی نمی‌گردند...

را دیدیم می‌آورد و سپس در این کیفیت یکنه نیز دوگانه‌گی پدید می‌شود...

دین جهان چنگ است چون کل بگری زره زره، همچو دین با کفری زره‌ای بالا و آن دیگر نگویند...

فوحده کلمه امام را همیشه تکیه نکرده و خود در این زمینه تکرار شده و مظهر این عمل تکرار شده است...

آنها که میخواهند امپریالیسم امریکا را نترسانند

مهندس بازرگان در نامه سرگشاده‌ای که چندی پیش خطاب به امام خمینی نوشت و در واقع دفاعیه بود روزوازی لیبرال، یعنی آن قشر از نیروهای سیاسی-اجتماعی ایران است که علیرغم تلاش بی‌کفایت...

دولت موقت، یعنی سپهبد مهدویون بود دولت موقت، نسبت به اقدام‌های انقلابی سرموردگان درجه اول رژیم سابق اعتراض کرد و این عمل را «بی‌آبرویی برای ایران در دنیا» خواند...

توطئه آمریکا در مراسم حج

و نمایندگانش در کویت و مراکش و اردن و مصراتیل و شیوخ آل-خلیج به ایالت پنجاه و یکم آمریکا...

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی. خیابان ۱۱ آذر شماره ۶۸. (دفتر نامه مردم، فلان) در اقبال عناصر غیر مسئول است. NAMEH MARDOM No. 315 24 August 1980. Price: West-Germany 8.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A 40 Cts., Sweden 1.50 Skr.

دولت موقت، یعنی سپهبد مهدویون بود دولت موقت، نسبت به اقدام‌های انقلابی سرموردگان درجه اول رژیم سابق اعتراض کرد و این عمل را «بی‌آبرویی برای ایران در دنیا» خواند...

دولت موقت، یعنی سپهبد مهدویون بود دولت موقت، نسبت به اقدام‌های انقلابی سرموردگان درجه اول رژیم سابق اعتراض کرد و این عمل را «بی‌آبرویی برای ایران در دنیا» خواند...

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلان و محترمانست. کمک مالی: مهتر از اسفهان ۱۰۰۰ ریال، هواداران حزب توده ایران در علویجه ۶۰۰۰ ریال.